

انگه
نترالگو

تسماء
تفہرین امتحان

فارسیے باز دہم

افشین معی الدین



پاسخ های
تشریحی

آزمون های
شبیه ساز نهایی

سوالات
امتحانی

سوالات
مہارتی

سوالات
تالیفی

درس نامہ
کامل

پیش‌گفتار

«تقدیم به همسر میترا، به پاس
همراهی همیشگی و محبت بی‌دریغش»

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

حتماً خودت به خوبی از اهمیت امتحان نهایی و سهم درس ادبیات در آن و تأثیر نمره‌اش در سرنوشتت، خبر داری، وگرنه این کتاب را نمی‌خریدی! تازه داری مقدمه کتاب را هم می‌خوانی! (خواندن مقدمه، یک کار فراموش‌شده است و قطعاً کسی که مقدمه را تا آخر می‌خواند جزو مخاطبان درجه‌یک کتاب است، به خودت افتخار کن ©). پس دیگر نیازی نیست من بگویم که چقدر مهم است که این درس را از اول سال با برنامه منظم بخوانی و برای آن وقت بگذاری. پس به‌جای آن می‌خواهم در مورد کتاب و ساختارش صحبت کنم و این که درس فارسی را چطور باید بخوانی تا نمره عالی بگیری.

قبل از هر چیز باید بگویم که مهم‌ترین کار برای موفقیت در درس ادبیات حضور فعال در کلاس درس است، نه این کتاب نه هیچ کتاب دیگری نمی‌تواند جای معلم مدرسه را بگیرد، پس فرض می‌کنیم با تمام حواس در کلاس شرکت کرده‌ای و کتاب درسی را با دقت خوانده‌ای و حالا می‌خواهی از این کتاب استفاده کنی.

درس‌نامه‌های کتاب

کتاب حاضر درس‌نامه کاملی برای تمام مطالب درسی از معنی لغت و املا تا معنی و مفهوم ابیات دارد. اما باید دقت کنی که تمام مطالب فارسی حفظی نیستند و به جز لغت و تاریخ ادبیات، سایر مطالب را باید یاد بگیری. پس روش درست مطالعه درس فارسی به هیچ عنوان حفظ کردن آرایه‌ها و نکات دستوری و مفاهیم نیست. بلکه باید ابتدا خودت تلاش کنی بعد از خواندن بیت، معنی و مفهوم، آرایه‌ها و نکات دستوری‌اش را تحلیل کنی و بعد از آن، نظر خودت را با نظر کتاب ما مقایسه کنی و متوجه بشوی کجاها خطا کرده‌ای و علت آن اشتباه را هم با خودت بررسی کنی. اگر کسی یک بار در کلاس درس و بار دیگر در منزل نکات ابیات و عبارات مهم کتاب را با خودش بررسی کند و آن‌ها را اصلاح کند، قطعاً در امتحان نهایی هم می‌تواند از پس سؤالات برآید. پس توصیه می‌کنم نگاهت به درس‌نامه به عنوان یک مرجع و منبع باشد و اصل کار را بر تحلیل خودت بگذاری.

در ابتدای درس‌نامه و قبل از تحلیل متن، درس‌نامه کاملی برای مطالب دستوری آن درس قرار داده‌ام تا قبل از پاسخ گفتن به سؤالات دستور حتماً آن را مطالعه کنی. در مورد آرایه‌های ادبی، این درس‌نامه‌ها در ضمیمه‌ای که بر روی سایت قرار داده‌ایم، آمده است. توصیه می‌کنم درس‌نامه دستور را حتماً قبل از هر مبحث مطالعه کنی، حتی اگر فکر می‌کنی در آن مطلب تسلط کافی داری. اما در مورد درس‌نامه‌های آرایه نیازی نیست حتماً تمام درس‌نامه را بخوانی و هر جا که احساس نیاز کردی به درس‌نامه مراجعه کن، اما از تمرینات داخل درس‌نامه‌ها غفلت نکن. به تمرینات دستور، همان موقع که درس‌نامه را می‌خوانی پاسخ بده ولی در مورد آرایه این تمرینات جنبه جمع‌بندی دارند و بهترین زمان برای پاسخ دادن به آن‌ها بعد از عید است.

سؤالات کتاب

سؤالات کتاب در دو بخش قرار گرفته‌اند: سؤالات امتحانی و سؤالات مهارت. سؤالات بخش اول از کتاب درسی و در حد امتحان نهایی طرح شده‌اند و به صورت موضوعی تفکیک شده‌اند. سؤالات در هر موضوع از ساده به دشوار قرار گرفته‌اند و مطالب کتاب درسی را به خوبی پوشش می‌دهند. به تمام شکل‌های رایج سؤالات امتحان نهایی و تیپ‌هایی که احتمال دارد در امتحان بیاید توجه کرده‌ایم و پاسخ گفتن به سؤالات این بخش برای کسب نمره عالی در امتحان نهایی کافی است. در سؤالات دستور از مطالب دستوری که در قلمرو آن درس آمده است، سؤالات بیشتری طرح شده است اما از سایر مطالب دستوری در ابیات و عبارات همان درس هم سؤال پرسیده‌ایم. در بخش دوم یعنی سؤالات مهارت، بلا هم سؤال‌ها از کتاب درسی و از ابیات و عبارات کتاب درسی است، اما در این بخش سطح سؤالات کمی بالاتر است. گاهی مطالب آن درس با مطالب درسی‌های قبل ترکیب شده‌اند، گاهی سؤالات به صورت تستی هستند و گاهی هم هدف سؤال، مرور و جمع‌بندی مطالب مهمی است که حتماً باید در آن درس بدانی. در بعضی سؤالات به صورت خیلی محدود از کتاب سال دهم و یا بیتهای ساده خارج از کتاب هم سؤال طرح شده است که در این سؤالات هدف تقویت قدرت تحلیل شما بوده است و گرنه می‌دانید که هیچ مطلبی خارج از کتاب درسی مورد پرسش قرار نمی‌گیرد و ما هم به‌طور کامل به این مطلب توجه داشته‌ایم. با پاسخ دادن به سؤالات مهارت مطمئن می‌شوید که می‌توانید از پس دشوارترین سؤالات امتحان نهایی هم بآیید.

پاسخ تشریحی

گاهی تحلیل کردن سؤال و فهمیدن علت آن که چرا به سؤالی پاسخ نادرست داده‌اید از خود سؤال مهم‌تر است. در انتهای کتاب، پاسخ‌نامه تشریحی سؤالات آمده است. در این بخش سعی کرده‌ام ضمن آن که پاسخ سؤال کوتاه و روشن باشد، به گونه‌ای باشد که بتوانی علت نادرستی پاسخ خودت را بفهمی و دام‌های سؤال و نکات مهم آن تشریح شود. پس حتماً بعد از پاسخ گفتن به سؤالات به پاسخ‌نامه مراجعه کن تا ضمن آن که از درستی یا نادرستی جوابت مطلع می‌شوی به اشتباه احتمالی خودت هم پی ببری.

امتحان‌های دوره‌ای

با توجه به اهمیت بالای امتحان نهایی، لازم است غیر از مطالعه دقیق و کامل مطالب درسی، مهارت‌های دیگری هم داشته باشی تا بتوانی نمره عالی و کامل بگیری. اگر پاسخ سؤالی را بدانی اما بی‌دقتی کنی و در نوشتن پاسخ، چیزی را که طراح سؤال در نظر داشته است، ننویسی یا به گونه‌ای بنویسی که مصحح متوجه منظور نشود، ممکن است با وجود تسلط در آن مبحث، نمره آن سؤال را کسب نکنی. برای از بین بردن بی‌دقتی و تمرین برای درست نوشتن پاسخ و خلاصه کسب مهارت آزمون دادن، بهترین راه پاسخ دادن به آزمون‌های مشابه امتحان نهایی است. زمانی که چاپ اول این کتاب عرضه می‌شود، تنها یک امتحان نهایی در سال یازدهم برگزار شده است، ما علاوه بر این آزمون (خرداد ۱۴۰۳) سه آزمون مشابه نهایی از مطالب کل کتاب آورده‌ایم تا بعد از مطالعه کامل کتاب درسی، در روزهای آخر بتوانی ضمن مرور مطالب و معک زدن خودت، مهارت آزمون دادن هم کسب کنی. در پاسخ این سؤالات مانند امتحان نهایی بارم ریز هر بخش از پاسخ مشخص شده است تا بتوانی نمره دقیق خود را محاسبه کنی و متوجه شوی چه نکاتی در نوشتن پاسخ اهمیت دارند.

غیر از سه آزمون جامع که در انتهای کتاب قرار گرفته‌اند، چهار آزمون دیگر مشابه با امتحانات نهایی در کتاب آمده است که از بودجه کل کتاب نیست؛ دو آزمون از مطالب ترم اول که بعد از درس ۹ در کتاب قرار گرفته‌اند، یک آزمون میان‌نوبت اول و یک آزمون میان‌نوبت دوم که این آزمون‌ها هم در جای خودشان در میانه کتاب قرار گرفته‌اند.

سخن آخر

اگرچه تألیف این کتاب را با نهایت دقت به انجام رساندیم، اما این کتاب از خطاهای احتمالی برکنار نیست و از همکاران و معلمان نکته‌سنج در سراسر کشور و همچنین دانش‌آموزان عزیز، درخواست می‌کنیم، نقدها، نظرات و پیشنهادهای خود را حتماً و لطفاً به ما اطلاع دهند.

در پایان، از همه عزیزانی که در نشر الگو به من یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌کنم:

سرکار خانم ستین مختار مسئول واحد تولید، که صمیمانه و با روحیه بالا در تألیف کتاب در کنار من بودند، از ایشان صمیمانه سپاس گزارم. همین‌طور از دوست عزیزم دکتر محمد کشوری که حضور او همیشه مایه پشت‌گرمی است.

جناب آقای دکتر وسکری و سرکار خانم زهرا صادقی زحمت کشیدند و کار را با نظر دقیق و علمی مورد بررسی و ویرایش قرار دادند، قدران زحمات شما هستم.

از دانش‌آموز سابق و یار و همراهم در این کتاب، خانم مبینا مرتضوی که دانشجوی پزشکی هستند و در تهیه بخشی از درس‌نامه‌ها به من کمک کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

• آراستگی این کتاب، به عهده همکاران حرفه‌ای ما در واحد تولید خانم‌ها: عاطفه ربیعی، سوده زارعی، پریا میانجی و آقای سامان شاهین‌پور بوده است. حسن ختام این مقدمه، تشکر ویژه از این دوستان است.

افشین محی‌الدین

فهرست مطالب

سؤالات تشریحی ۵۱

سؤالات مهارت ۵۶

آزمون ۱: میان‌نویس اول ۵۹

درس چهارم: درس آزاد

فارسی واژه‌ها ۶۲

درس پنجم: آغازگری تنها

درس‌نامه ۶۳

روان‌خوانی: تا غزل بعد ... ۶۸

کارگاه متن‌پژوهی ۶۹

سؤالات تشریحی ۷۰

سؤالات مهارت ۷۵

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ششم: پروردۀ عشق

درس‌نامه ۷۸

گنج حکمت: مردان واقعی ۸۵

کارگاه متن‌پژوهی ۸۵

سؤالات تشریحی ۸۶

سؤالات مهارت ۹۲

درس هفتم: باران محبت

درس‌نامه ۹۵

شعرخوانی: آفتاب حسن ۱۰۱

کارگاه متن‌پژوهی ۱۰۲

سؤالات تشریحی ۱۰۴

سؤالات مهارت ۱۰۹

ستایش: لطف خدا

درس‌نامه ۲

سؤالات تشریحی ۴

سؤالات مهارت ۶

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس یکم: نیکی

درس‌نامه ۸

گنج حکمت: هفت ۱۵

کارگاه متن‌پژوهی ۱۵

سؤالات تشریحی ۱۷

سؤالات مهارت ۲۱

درس دوم: قاضی بیست

درس‌نامه ۲۵

شعرخوانی: زلف و کبک ۳۱

کارگاه متن‌پژوهی ۳۳

سؤالات تشریحی ۳۴

سؤالات مهارت ۴۱

فصل دوم: ادبیات پایداری

درس سوم: در امواج سند

درس‌نامه ۴۴

گنج حکمت: چو سرو باش ۴۹

کارگاه متن‌پژوهی ۵۰

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

درس هشتم: در کوی عاشقان

درس‌نامه	۱۱۳
گنج حکمت: چنان باش ...	۱۲۱
کارگاه متن‌پژوهی	۱۲۲
سؤالات تشریحی	۱۲۳
سؤالات مهارت	۱۲۷

درس نهم: ذوق لطیف

درس‌نامه	۱۳۰
روان‌خوانی: میثاق دوستی	۱۳۴
کارگاه متن‌پژوهی	۱۳۶
سؤالات تشریحی	۱۳۷
سؤالات مهارت	۱۴۲
آزمون ۲: پایان‌نویس اول	۱۴۴
آزمون ۳: پایان‌نویس اول	۱۴۷

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم: بانگ جزس

درس‌نامه	۱۵۱
گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن	۱۵۵
کارگاه متن‌پژوهی	۱۵۵
سؤالات تشریحی	۱۵۶
سؤالات مهارت	۱۶۰

درس یازدهم: یاران عشق

درس‌نامه	۱۶۳
شعرخوانی: صبح بی تو	۱۶۶
کارگاه متن‌پژوهی	۱۶۸
سؤالات تشریحی	۱۶۹
سؤالات مهارت	۱۷۵

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس دوازدهم: کاوه دادخواه

درس‌نامه	۱۷۷
گنج حکمت: کاردانی	۱۸۶
کارگاه متن‌پژوهی	۱۸۷
سؤالات تشریحی	۱۸۸
سؤالات مهارت	۱۹۴

درس چهاردهم: حمله حیدری

درس‌نامه	۱۹۶
شعرخوانی: وطن	۲۰۲
کارگاه متن‌پژوهی	۲۰۳
سؤالات تشریحی	۲۰۴
سؤالات مهارت	۲۱۰
آزمون ۴: میان‌نویس دوم	۲۱۳

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس پانزدهم: گیتو طوق‌دلار

درس‌نامه	۲۱۶
گنج حکمت: مهمان ناخوانده	۲۲۱
کارگاه متن‌پژوهی	۲۲۲
سؤالات تشریحی	۲۲۳
سؤالات مهارت	۲۲۸

درس شانزدهم: قصه سینکم

درس‌نامه	۲۳۱
روان‌خوانی: دیدار	۲۳۷
کارگاه متن‌پژوهی	۲۳۹
سؤالات تشریحی	۲۴۰
سؤالات مهارت	۲۴۶

پاسخ‌های تشریحی آزمون‌ها

- ۳۲۲ پاسخ تشریحی آزمون (۱)
- ۳۲۳ پاسخ تشریحی آزمون (۲)
- ۳۲۴ پاسخ تشریحی آزمون (۳)
- ۳۲۴ پاسخ تشریحی آزمون (۴)
- ۳۲۵ پاسخ تشریحی آزمون (۵)
- ۳۲۶ پاسخ تشریحی آزمون (۶)
- ۳۲۶ پاسخ تشریحی آزمون (۷)
- ۳۲۷ پاسخ تشریحی آزمون (۸)

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس هفدهم: خاموشی دریا

- ۲۴۸ درس‌نامه
- ۲۵۰ گنج حکمت: چشم عشق
- ۲۵۰ کارگاه متن‌پژوهی
- ۲۵۱ سؤالات تشریحی
- ۲۵۴ سؤالات مهارت

درس هجدهم: خوان عدل

- ۲۵۵ درس‌نامه
- ۲۵۹ روان‌خوانی: آذریاد
- ۲۶۱ کارگاه متن‌پژوهی
- ۲۶۲ سؤالات تشریحی
- ۲۶۶ سؤالات مهارت

نیایش: الهی

- ۲۶۸ درس‌نامه
- ۲۶۹ سؤالات تشریحی
- ۲۷۱ سؤالات مهارت

آزمون‌های جامع

- ۲۷۳ آزمون ۵: آزمون جامع (۱)
- ۲۷۶ آزمون ۶: آزمون جامع (۲)
- ۲۷۹ آزمون ۷: آزمون جامع (۳)
- ۲۸۳ آزمون ۸: آزمون جامع (۴): امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳

پاسخ‌های تشریحی

- ۲۸۸ پاسخ‌های تشریحی تمرین‌های پایان درس

دانش‌نامه‌های آغازین

خلاصه درس: در این درس که از اثر ارزشمند «سعدی»، «بوستان»، انتخاب شده است، سعدی با آوردن داستانی تمثیلی به اهمیت تلاش و کوشش در کسب روزی پرداخته است. در بخش آغازین درس، درویشی با دیدن روباهی بی‌دست‌وپا در آفرینش و لطف خدا شک می‌کند، اما بعد از آن که می‌بیند خداوند روزی آن روباه را هم می‌رساند، نتیجه‌گیری می‌کند «کسب روزی به زور بازو نیست» و «خدا روزی هرکس را بدون تلاش می‌رساند». پس با امید به روزی‌رسانی خدا به گوشه‌ای می‌نشیند و به گوشه‌نشینی و عبادت می‌پردازد. بعد از مدتی وقتی از ضعیفی و ناتوانی فقط پوست و استخوانی از او مانده است، ندایی به قلبش می‌رسد که «باید به خودت و زور بازویت اتکا کنی» و درست است که خدا روزی هرکس را می‌رساند ولی بدون تلاش و زحمت این کار ممکن نیست. در پایان داستان نتیجه‌گیری اصلی داستان «توصیه به خودانگیزی» است و این که «هر کس باید از زور بازوی خود روزی کسب کند» و علاوه بر آن «باید به ضعیفان و ناتوانان یاری برسانیم» و از این مطلب غافل نباشیم که «خدا به کسی عنایت دارد که به خلق خدا خیر برساند».

تاریخچه: کتاب «بوستان» اثر منظوم «سعدی شیرازی» است. این اثر ارزشمند به ادبیات تعلیمی تعلق دارد و سعدی در آن راه و رسم زندگی سعادت‌مندان را در قالب داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز به ما می‌آموزد.

کتاب «بهارستان» اثر مشهور (نثر آمیخته به نظم) «جامی» است. جامی این اثر تعلیمی را به شیوه «گلستان سعدی» نوشته است.

دستور زبان

حرف ربط (پیوند)

حرف ربط بین دو جمله می‌آید و آن دو جمله را به هم می‌پیوندد. دو نوع حرف ربط یا پیوند در زبان فارسی وجود دارد: **پیوند وابسته‌ساز** و **پیوند هم‌پایه‌ساز**.

- **پیوند هم‌پایه‌ساز:** فقط دو جمله را به هم می‌پیوندد و آن‌ها را به هم وابسته نمی‌کند. دو جمله‌ای که با حرف ربط هم‌پایه‌ساز به هم مرتبط می‌شوند، «هم‌پایه» هستند. اگر جمله اول ساده است، دومی هم ساده است. اگر اولی وابسته است، دومی هم همین‌طور است. مهم‌ترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارتند از:

و، یا، اما، ولی، لیکن، ولیکن، چه... چه، خواه... خواه، هم... هم

- **پیوند وابسته‌ساز:** این نوع حرف ربط، دو جمله را به هم وابسته می‌کند. یعنی دو جمله‌ای که با حرف ربط وابسته‌ساز به هم پیوسته‌اند، یک پیام را می‌رسانند و جمله مرکب خوانده می‌شوند. مهم‌ترین پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از:

که، اگر، تا، چون، چو، وقتی، اگرچه، چنانکه، چنانچه، اگرچنانکه، وقتی که

پیوند وابسته‌ساز در ابتدای «جمله وابسته» یا «پیرو» می‌آید و جمله‌ای که حرف ربط وابسته‌ساز ندارد، «جمله هسته» یا «پایه» است:

دگر روز باز اتفاق افتاد	که روزی‌رسبان، قوت روزش بداد
جمله هسته (پایه)	حرف ربط جمله وابسته (پیرو)

تمرین

در ابیات زیر جمله‌های هسته و وابسته را مشخص کنید:

۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش	نژند آن دل، که او خواهد نژندش
۲) اگر لطفش فرین حال گردد	همه ادب‌ارها اقبال گردد
۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
۴) خرد را گر نبخشد روشنایی	بماند تا ابد در تیره‌رایی

- ۱) بلند آن سر [است] (هسته) که او خواهد بلندش (وابسته) نژند آن دل [است] (هسته)، که او خواهد نژندش (وابسته): **هر مصراع یک جمله مرکب است.**
- ۲) اگر (پیوند وابسته‌ساز) لطفش فرین حال گردد (جمله وابسته) همه ادب‌ارها اقبال گردد (جمله هسته).
- ۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم (جمله هسته) که نی یک موی باشد بیش (جمله وابسته) و (پیوند هم‌پایه‌ساز) نی کم [باشد] (جمله وابسته): **کل بیت یک جمله مرکب است.** در مصراع دوم دو جمله وابسته آمده که در بینشان حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» آمده است. این حرف دو جمله را هم‌رتبه می‌کند.
- ۴) گر خرد را نبخشد روشنایی (جمله وابسته) بماند تا ابد در تیره‌رایی (جمله هسته).

حکته «که»، «تا»، «چون» و حتی «اگر» همیشه حرف ربط وابسته‌ساز نیستند. اگر «که» به معنی «چه کسی» (یا کسی که) باشد، ضمیر است و حرف ربط نیست. «تا» اگر نشان‌دهنده فاصله زمانی یا مکانی باشد (تا اصفهان، تا صبح) و «چون» اگر به معنی «مانند» باشد (چون شیر) حرف اضافه هستند.

حکته حرف «واو» اگر بین دو جمله بیاید، پیوندهم‌بایه‌ساز است، اما اگر داخل یک جمله و میان کلمات یا گروه کلمات هم‌نقش بیاید، «حرف عطف» است؛ مثلاً در مصراع «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند»، همه واوها حرف عطف هستند. گاهی «و» در داخل یک کلمه می‌آید و نمی‌توانیم اجزای آن کلمه را جدا کنیم که در این حالت این «و» میان‌وند است: پخت‌وپز، گهت‌وگو، بی‌دست‌ویا، سی‌وسه

افعال اسنادی و غیر اسنادی

می‌دانیم فعل‌های «است، بود، شد، گشت و گردید» اسنادی هستند و علاوه بر نهاد به مسند هم نیاز دارند. اما فعل‌های ساخته‌شده از مصدرهای «استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن» همیشه اسنادی نیستند و استثناهایی وجود دارد:

- «استن و بودن» اگر به معنی «وجود داشتن» باشند غیر اسنادی هستند: خدا هست. | در مریخ هوا نیست. | ابتهاج تا سال پیش میان ما بود.
- «شدن» اگر به معنی «رفتن» باشد، غیر اسنادی است: به خانه امیر شدیم و در آنجا ماندیم.
- «گشتن» و «گردیدن» اگر به معنی «شدن» باشند، اسنادی و در غیر این صورت (در معانی مثل «چرخیدن و جست‌وجو کردن») غیر اسنادی هستند. در تمام مصدرهای بالا پرسیدن سؤال مسند هم می‌تواند به ما نشان دهد که فعل اسنادی است یا خیر، اگر فعل غیر اسنادی باشد این سؤال بی‌جواب می‌ماند. مثلاً در جمله «تا شقایق هست زندگی باید کرد»، سؤال «شقایق چی (چطور) هست؟» بی‌پاسخ می‌ماند.

تمرین

در ابیات زیر مشخص کنید که کدام یک از فعل‌های مشخص‌شده اسنادی هستند و کدام یک غیر اسنادی.

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) کمال عقل آن باشد در این راه | که گوید نیستم از هیچ آگاه |
| ۲) اگر لطفش قرین حال گردد | همه ادب‌ارها اقبال گردد |
| ۳) گل از شوق تو خندان در بهار است | از آتش رنگ‌های بی‌شمار است |
| ۴) ابر ز من حامل سرمایه شد | باغ ز من صاحب سرمایه شد |
| ۵) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید | چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها |
| ۶) چو رهام گشت از کشانی ستوه | بیچید از او روی و شد سوی کوه |

- ۱) «باشد» اسنادی و «آن» مسند است. | «نیستم» اسنادی است و «آگاه» مسند.
 ۲) هر دو فعل «گردد» اسنادی هستند و «قرین» و «اقبال» به ترتیب مسند آن‌ها هستند.
 ۳) «لست» در مصراع اول اسنادی و «خندان» مسند است ولی «لست» مصراع دوم غیر اسنادی است؛ از آن، برای اورنگ‌های بی‌شمار (نهاد) است (= وجود دارد).
 ۴) هر دو فعل «شد» اسنادی هستند و «حامل» و «صاحب» نقش مسندی دارند.
 ۵) «باشد» غیر اسنادی است؛ عشق حرم (نهاد) باشد (= وجود داشته باشد). «است» اسنادی است و «سهل» مسند آن است.
 ۶) «گشت» اسنادی است و «ستوه» مسند است. «شد» به معنی «رفت» است و غیر اسنادی است.

روابط واژگان

بعضی از کلمات مانند «شیر»، «ماه» و «سیر» بیش از یک معنی دارند و برای بی‌بردن به معنی آن‌ها دو راه وجود دارد:

الف قرار گرفتن واژه در جمله: وقتی کل جمله را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم منظورمان از «شیر» حیوان در جنگل است یا شیر خوراکی.

ب توجه به روابط واژگان: با توجه به رابطه آن واژه با سایر واژه‌ها به معنی آن پی می‌بریم؛ مثلاً «شیر و بلنگ» و «شیر و ماست».

یک واژه با واژه دیگر می‌تواند یکی از چهار رابطه زیر را داشته باشد:

- ۱** مترادف (هم‌معنایی): دو واژه هم‌معنی باشند: باره و اسب | باره و دفعه
- ۲** تناسب (هم‌بستگی): گل و سبزه | سیر و پیاز | دست و پا
- ۳** تضاد: ادب و اقبال | سیر و گرسنه
- ۴** تضمن: یکی دیگری را دربرگیرد: رابطه یک عضو با مجموعه‌ای که عضو آن است. یا یک مجموعه با زیرمجموعه‌هایش یا یک کل با اجزایش: باره و کمیت | حافظ و شاعر | مدرسه و کلاس | دماوند و کوه | اسب و حیوان | سیر و گیاه | دست و بدن

لغات دارای معانی چندگانه

چنگ (۱) ساز چنگ
دست (۲)

درویش (۱) نیازمند
عارف و گوشه‌نشین (۲)

اراده و تلاش (۱)
دعای خیر پیر و مرشد (۲)
بلندنظری (۳)

◆ لغات دارای هم‌آوا و متشابه ◆

مهراب: اسم خاص، شاه کابل در شاهنامه
محراب: جای ایستادن پیش‌نماز در مسجد
قَرَض: بدهی، وام
عَرَض: قصد و نیت
خوار: زبون، پست
خار: تیغ گل

◆ کلمات تک‌املایی مهم ◆

دغل و حيله‌گر

زنخدان و چانه

قوت و روزی

لطف و صنع

حمیت و مردانگی

ضایع و تباه

بررسی تخصصی ابیات و عبارات درس

۱ یکی روبه‌ی دید بی‌دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای

لغوی: فروماندن: متحیر شدن | صنع: آفرینش

معنی: شخصی روبه‌ی بدون دست و پا را دید و با دیدن آن موجود در لطف و آفرینش خدا متعجب و حیران شد.

آرایه: مراعات‌نظیر: دست و پا

دستور: یکی (نهاد) روبه‌ی (مفعول) بی‌دست‌و‌پای (صفت) را دید (فعل)، در لطف و صنع خدای (گروه متمم) فروماند (فعل).
«واو» در مصراع اول میان‌وند است و جزئی از واژه و در مصراع دوم حرف عطف است.

۲ که چون زندگانی به سرمی‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

معنی: که [روباه] چگونه زندگی را می‌گذراند و با این دست و پا چگونه روزی به دست می‌آورد؟

آرایه: مراعات‌نظیر: دست و پا | کنایه: زندگانی به سرمی‌برد: زندگی می‌کند | ایهام تناسب: «سر» در مصراع اول به معنی «عضو بدن» قابل قبول نیست و این معنی با «دست و پا» تناسب دارد.

دستور: «چون» (بر وزن خون) به معنی چگونه است و نقش قید دارد. «زندگانی» نقش مفعولی دارد و «دست و پای» متمم است.

۲ در این بود درویشش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

لغوی: شوریده‌رنگ: آشفته‌حال | شغال: جانور پستانداری از تیره سگان که جزو رسته گوستخولران است. | درویش: تنگ‌دست، فقیر. در اصطلاح گوشه‌نشین و عارف

معنی: آن درویش آشفته‌حال در این فکر بود که ناگهان شیری آمد، در حالی که شغالی را در چنگال داشت.

آرایه: جناس: رنگ و چنگ (ناهمسان) | مراعات‌نظیر: شیر و شغال | کنایه: شوریده‌رنگ: آشفته‌حال | واج‌آرایی: تکرار صامت /ش /

دستور: فعل «داشت» در پایان مصراع دوم به قرینه معنایی حذف شده است.

«این» در این بیت متمم است و وابسته پیشین نیست. «که» در ابتدای مصراع دوم «پیوند وابسته‌ساز» است.

۲ شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

لغوی: نگون‌بخت: بدبخت

معنی: شیر آن شغال بخت‌برگشته را خورد، و روباه از آن چیزی که از شغال باقی مانده بود، خورد و کامل سیر شد.

آرایه: جناس: شیر و سیر (ناهمسان) | مراعات‌نظیر: شیر و شغال و روباه | کنایه: «نگون‌بخت» کنایه از «بدبخت» است.

دستور: شیر (نهاد) شغال نگون‌بخت (مفعول) را خورد (فعل)، آنچه (نهاد) بماند (فعل) روباه (نهاد) از آن (متمم) سیر (قید) خورد (فعل).

۱- کلماتی که تلفظ یکسان دارند ولی املا و معنی آن‌ها متفاوت است، در اصطلاح «هم‌آوا» نام دارند؛ مانند قالب و غالب، در املا خیلی باید به این واژه‌ها توجه داشت. تا شکل درستشان را انتخاب کنید. در کنار این کلمات واژه‌های دیگری داریم که تلفظ آن‌ها دقیقاً یکی نیست ولی دو شکل املائی مشابه دارند و در املا این واژه‌ها هم به اندازه واژه‌های اول اهمیت دارند، به این واژه‌ها «متشابه املائی» می‌گوییم؛ مانند آسار و اصرار، دقت داشته باشید که اگرچه هر دودسته از نظر املائی مهم هستند و ما آن‌ها را با هم در درس‌نامه می‌آوریم ولی نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. ما در این درس‌نامه واژه‌های دارای هم‌آوا را به صورت هایلایت شده آورده‌ایم تا شما متوجه این تفاوت باشید.

۲- در مبحث آرایه‌ها، شما باید به تمام آرایه‌های ادبی که تا کتون خوانده‌اید مسلط باشید و بتوانید آن‌ها را در ابیات کتاب درسی بررسی کنید. برای یادآوری آرایه‌های قدیمی و آموختن آرایه‌های جدید می‌توانید به درس‌نامه مربوط به آن که در سایت الگو به نشانی www.olgobooks.ir قرار داده شده است، مراجعه کنید.

۵ دگر روز باز ائتفاق افتاد که روزی‌رسان، قوت روزش بسداد

لغت: قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا

معنی: روز بعد هم دوباره همین ائتفاق افتاد و خدای روزی‌رسان، روزی روبه‌را به او داد.

مفهوم: روزی‌رسانی خداوند

آرایه: جناس: روز و روزی (ناهمسان) | واج‌آرایی: تکرار صامت‌های /ر/ و /ز/ و مصوت /او/ | تکرار: تکرار واژه «روز»

دستور: «که» در مصراع دوم حرف ربط وابسته‌ساز است، بنابراین مصراع دوم جمله وابسته و مصراع اول جمله هسته است. «دگر» صفت مبهم است، «باز» قید است و «ش» نقش مضاف‌الیه دارد.

۶ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

معنی: یقین، چشمان مرد را بینا کرد و مرد به آگاهی و یقین رسید، پس به گوشه‌ای رفت و به روزی‌رسانی خدا تکیه کرد.

مفهوم: توکل کردن به روزی‌رسانی خدا

آرایه: کنایه: «بیننده شدن دیده» کنایه از «آگاه شدن» است و «تکیه کردن» کنایه از «توکل کردن».

دستور: «را» در این بیت «فک اضافه» است و «مرد را دیده» باید به صورت «دیده‌مرد» مرتب شود؛ یقین (نهاد) دیده‌مرد (مفعول) را بیننده (مسند) کرد. [مرد] (نهاد) شد (= رفت) و بر آفریننده (متمم) تکیه کرد (فعل).

یادآوری: «رای فک اضافه» نشان‌دهنده مضاف‌الیه و ترکیب اضافی است. این نوع «را» بعد از مضاف‌الیه می‌آید و نشان‌دهنده این است که یک ترکیب اضافه داشته‌ایم که از هم باز شده‌است و جای مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده‌است (همیشه این ائتفاق نمی‌افتد) و حالا بعد از مضاف‌الیه «را» آمده است. مثلاً ترکیب اضافی «دیده‌مرد» از هم باز شده است و جای مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده‌است و بین آن‌ها «را» آمده است؛ مرد را دیده. برای پی بردن به نوع «را» ابتدا بررسی کنید ببینید آیا کلمه قبل از «را» مفعول است و فعل ما مفعول می‌خواهد یا خیر. اگر «را» نشانه مفعول نبود، حالا بررسی کنید آیا «را» به معنی یکی از حروف اضافه «از، در، به، برای» به کار رفته است و کلمه قبل از «را» متمم است یا خیر. اگر هیچ کدام از این دو نوع «را» نبود، بررسی کنید آیا کلمه قبل از «را» مضاف‌الیه کلمه بعد از آن یا کلمات دیگر جمله است یا خیر.

۷ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

معنی: از این پس مانند یک مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم [و برای کسب روزی تلاش نمی‌کنم]. زیرا حتی حیوانات قدرتمندی مانند پیل‌ها هم با زور و قدرتشان، روزی نمی‌خورند.

مفهوم: تکیه کردن بر روزی‌رسانی خداوند

آرایه: جناس: مور و زور (ناهمسان) | کنایه: «به کنجی نشستن» کنایه از «ترک کردن تلاش» است. | تشبیه: من (مشبه) چو (ادات تشبیه) مور (مشبه‌به) به کنجی نشینم (وجه شبه) | تضاد: پیل و مور؛ | نماد: «پیل» نماد «زورمندی» و «مور» نماد «ضعف و گوشه‌نشینی»

دستور: در این بیت دو جمله وجود دارد که هر دو جمله وابسته هستند و به جمله‌های بیت قبل وابسته شده‌اند.

۸ زَنخدان فرورد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب

لغت: زَنخدان: چانه | جیب: گریبان، یقه | غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند.

معنی: مرد مدتی گوشه‌نشینی کرد و به تفکر پرداخت به این امید که خداوند روزی او را از عالم غیب خواهد فرستاد.

مفهوم: توکل به روزی‌رسانی خداوند

آرایه: جناس: جیب و غیب (ناهمسان) | کنایه: «زَنخدان به جیب بردن» (سر به گریبان بردن) کنایه از «گوشه‌نشینی و تفکر» است.

دستور: «که» در مصراع دوم پیوند وابسته‌ساز است. مصراع اول جمله هسته و مصراع دوم جمله وابسته است. نقش «زَنخدان» و «روزی» مفعول است.

۱- در کادری که با عنوان یادآوری در داخل درس‌نامه‌ها آمده است، به مطالب مهم دستوری یا آرایه‌های ادبی می‌پردازیم که در سال‌های قبل خوانده‌اید و با دانستن آن‌ها لازم و ضروری است ولی در کتاب یازدهم درس‌نامه‌های برای آن‌ها در قلمروها آورده نشده است.

۲- «پیل» و «مور» بیرون از این شعر با هم تناسب دارند و آرایه مراعات نظیر ایجاد می‌کنند، ولی چون هنگامی که دو واژه با هم رابطه تضاد داشته باشند دیگر آن را مراعات‌نظیر نمی‌گیریم، ما در درس‌نامه فقط به آرایه تضاد میان آن‌ها اکتفا کرده‌ایم. در ادبیات بعدی هم، «رویا» و «شیر» و «شغال» و «شیر» هم همین وضعیت را دارند.

۹ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

- لغوی:** چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. | تیمار: غم، اندیشه، محافظت؛ تیمار خوردن: پرستاری، محافظت کردن، غمخواری
- معنی:** هیچ کس غصه او را نخورد و از دوست و غریبه کسی به او کمکی نکرد تا این که مانند ساز چنگ تنها پوست و استخوان از او باقی ماند.
- مفهوم:** یاری ندیدن از دیگران و تنها ماندن
- آرایه:** تشبیه: «آن مرد» به «چنگ» تشبیه شده است. | تضاد: بیگانه و دوست | مراعات نظیر: پوست، استخوان و رگ | کنایه: «پوست و استخوان از کسی ماندن» کنایه از «لاغر شدن» | جناس: دوست و پوست (ناهمسان) | ابهام تناسب: «چنگ» به معنی «دست» قابل قبول نیست و این معنی با «رگ و پوست و استخوان» تناسب دارد.
- دستور:** نقش دستوری «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه (که از جای خود جابه‌جا شده) و در مصراع دوم متمم است: بیگانه (نهاد) تیمارش (تیمار مفعول و ش مضاف‌الیه) را نخورد و دوست (نهاد) تیمارش را نخورد. چو چنگ (متمم) برای او (برایش) (متمم) رگ و استخوان و پوست (نهاد) ماند.

۱۰ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش:

- لغوی:** محراب: قبله، جای ایستادن پیش‌نماز
- معنی:** وقتی از شدت ضعف برای او صبر و هوشی باقی نمانده بود، از دیوار محراب صدایی به گوشش رسید ...
- آرایه:** جناس: هوش و گوش (ناهمسان)
- دستور:** نقش دستوری «ش» در مصراع اول متمم است و در مصراع دوم مضاف‌الیه کلمه «گوش» (جهش ضمیر دارد). «چو» در مصراع اول حرف ربط وابسته‌ساز است بنابراین جمله مصراع اول وابسته است و مصراع دوم جمله هسته. «واو» مصراع اول حرف عطف است.
- 🔗 **یادآوری:** «ضمیر پیوسته» نوعی کلمه است (نقش نیست) که می‌تواند یکی از نقش‌های مضاف‌الیه، مفعول یا متمم را بپذیرد. در درس ۶ برای نقش ضمیر پیوسته درس‌نامه‌ای آورده‌ایم و می‌توانید به آن مراجعه کنید.
- 🔗 **یادآوری:** معنی و مفهوم این بیت ناقص می‌ماند و با بیت بعد کامل می‌شود. به چنین ابیاتی که معنی آن‌ها با هم کامل می‌شود «موقوف‌المعانی» می‌گویند. موقوف‌المعانی بودن نه آرایه است نه نکته دستوری، بلکه صرفاً یک اصطلاح است.

۱۱ برو شیر درنده باش ای دغل مپنداز خود را چو روباه شل

- لغوی:** دغل: نراست، حيله گر | شل: دست و پای از کل افتاده
- معنی:** ای انسان فریبکار و نادرست، تو باید مانند شیر قوی و شجاع به خودت تکیه کنی نه این که خودت را مانند روباهی ضعیف و ناتوان نشان دهی.
- مفهوم:** خوداتکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود)
- آرایه:** تشبیه: «مخاطب (درویش)» یک بار به «شیر درنده» تشبیه شده است و یک بار به «روباه شل». | تضاد: شیر و روباه | کنایه: «خود را نداختن» کنایه از «خود را ضعیف و ناتوان جلوه دادن» است.
- 🔗 **یادآوری:** تشبیه که از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی است، انواعی دارد. در یکی از مهم‌ترین شکل‌های تشبیه، ادات تشبیه حذف می‌شود و تشبیه به صورت یک جمله اسنادی ساخته می‌شود. به این تشبیه «تشبیه فشرده اسنادی» می‌گویند. در مصراع اول شاعر با یک جمله اسنادی مخاطب را به شیر تشبیه کرده است. در جمله‌های اسنادی دقت داشته باشید که اگر جمله قابلیت پذیرش کلمه «مانند» را داشته باشد با تشبیه مواجه هستیم:
- رستم شیر است: رستم مانند شیر است (تشبیه است).
- رستم شجاع است: رستم مانند شجاع است (معنی نمی‌دهد پس تشبیه نداریم).
- دستور:** بیت چهار جمله دارد. در جمله سوم که شبه جمله ندایی است (ای دغل) حذف فعل به قرینه معنایی صورت گرفته است. در سایر جملات فعل امر دوم شخص مفرد داریم که در همه جملات نهاد (تو) محذوف است.

۱۲ چنان سعی کن کز تو مآند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده، سیر

- معنی:** به گونه‌ای تلاش کن که مانند شیر، از تو برای دیگران روزی به جا بماند نه این که مانند روباه به پسمانده غذای دیگران قانع باشی.
- مفهوم:** خوداتکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود)
- آرایه:** تشبیه: «مخاطب (درویش)» یک بار به «شیر درنده» تشبیه شده است و یک بار به «روباه». | جناس: شیر و سیر (ناهمسان) | تضاد: شیر و روباه | نماد: «شیر» نماد «انسان‌های قوی و متکی به خود» است و «روباه» نماد «انسان‌های ضعیف».
- دستور:** «چو» در هر دو مصراع حرف اضافه است و «شیر» و «روبه» متمم هستند. «چنان» و «چه» نقش قید دارند.

بخور تا توانی به بازوی خویش | که سعیت بود در ترازوی خویش

معنی | تا می‌توانی روزی خود را از دسترنج و تلاش خودت به دست بیاور. زیرا که نتیجه سعی و تلاش هرکس به او خواهد رسید (کسی جز حاصل تلاش خود را به دست نمی‌آورد).

مفهوم | خوداتکالی (تکیه کردن به زور بازوی خود) | هرکس نتیجه عمل خودش را به دست می‌آورد.

آرایه | **تلمیح**: به آیه ۳۹ سوره نجم «لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست) اشاره دارد. | **مجاز**: «بازو» مجاز از «قدرت و توان و کار و تلاش» است. | **کنایه**: «در ترازو بودن» کنایه از «حاصل کردن» است و «به بازوی خود خوردن» کنایه از «به خود متکی بودن».

دستور | «که» و «تا» حرف ربط وابسته‌ساز هستند: به بازوی خود بخور (جمله هسته) تا می‌توانی (جمله وابسته ۱) که سعیت در ترازوی خویش بود (جمله وابسته ۲).

بگیر ای جوان، دست درویش پیر | نه خود را بیفکن که دستم بگیر

معنی | ای جوان، به انسان‌های پیر و نیازمند کمک کن، نه این که خودت را ضعیف و ناتوان نشان بدهی که دیگران به تو کمک کنند.

مفهوم | از دیگران دست‌گیری کنیم نه این که باری بر دوششان باشیم. (توصیه به تلاش و دست‌گیری از دیگران)

آرایه | **تضاد**: جوان و پیر | **کنایه**: «دست کسی را گرفتن» کنایه از «کمک کردن» است و «خود را افکندن» کنایه از «خود را ضعیف و ناتوان نشان دادن». | **تکرار**: دست و بگیر

دستور | در جمله «ای جوان» فعل به قرینه معنایی حذف شده‌است. در سه جمله دیگر نهاد (تو) محذوف است. در هر سه جمله مفعول وجود دارد (به ترتیب دست، خود و دست).

خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است

معنی | خداوند آن بنده‌ای را مورد لطف و بخشایش خود قرار می‌دهد که مردم از وجود او و کارهای او در آسایش باشند.

مفهوم | خدا کسی را مورد رحمت قرار می‌دهد که به مردم خیر می‌رساند.

آرایه | **واج‌آرایی**: تکرار صامت / ش /

دستور | «را» در مصراع اول «فک اضافه» و فعل «است» غیر اسنادی است: بخشایش خدا (نهاد) بر آن بنده (متمم) است (= وجود دارد) که خلق (نهاد) از وجودش (متمم) در آسایش (مسند) است (فعل اسنادی).

یادآوری | گاهی به‌جای مسند، یک گروه متممی می‌آید (مسند با حرف اضافه آمده است) در این مواقع نقش واژه مورد نظر مسند است و ما به نیاز جمله و فعل اسنادی توجه می‌کنیم:

فردوسی، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرا (مسند) است. | فردوسی از بزرگ‌ترین شاعران حماسه‌سرا (مسند) است.

گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست | که دون‌همتانند بی‌مغز و پوست

لغت | **دون‌همت**: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

معنی | انسان عاقل و خردمند به دیگران بخشندگی و لطف می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست و فرومایه، بی‌عقل و خرد هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

مفهوم | انسان عاقل و خردمند کریم است. | **سست‌عنصری** نشان بی‌خردی است.

آرایه | **تضاد**: مغز و پوست | **جناس**: سر و در - اوست و پوست (ناهمسان) | **مجاز**: «سر» مجاز از «انسان» است و «مغز» مجاز از «فکر و اندیشه». | **کنایه**: «مغز در سر داشتن» کنایه از «دانایی» و «بی‌مغز بودن» کنایه از «نادانی» است.

دستور | «است» در مصراع اول غیر اسنادی است و «مغز» نهاد آن است. «بی‌مغز» و «پوست» هر دو مسند هستند: دون‌همتان (نهاد) بی‌مغز و پوست (مسند) هستند.

کسی نیک بیند به هردو سرای | که نیکی رساند به خلق خدای

معنی | کسی در این دنیا و دنیای آخرت خیر و نیکی می‌بیند که به مردم خیر برساند و به آن‌ها نیکی کند.

مفهوم | کسی که به مردم خیر می‌رساند نیکی می‌بیند (نتیجه عمل هرکس به خودش بازمی‌گردد).

آرایه | **استعاره**: «سرا» استعاره از «دنیا» است.

دستور | در گروه اسمی «هر دو سرای»، «سرا» هسته است و «هر» و «دو» هر دو وابسته پیشین هستند.

بررسی تخصصی ابیات داخل قلمروها^۱

معیار دوستانِ دُخل روز حاجت است قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

معنی زمان نیازمندی مانند معیار و وسیله‌ای است که دوستان را با آن می‌توان شناخت. برای آزمودن دوستان از آن‌ها مبلغی را قرض بگیر.

مفهوم در زمان نیازمندی می‌توانیم ارزش دوستان را بشناسیم.

آرایه تشبیه: «روز حاجت» به «معیار» تشبیه شده است. | مجاز: «روز» مجاز از «زمان» است.

صورتِ بی‌صورتِ بی‌حدّ غیب ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب

معنی خداوند که صورت و جسم ندارد و وجود او هیچ حد و مرزی ندارد، بر دل موسی (ع) که مانند آینهٔ حقایق است جلوه کرد.

مفهوم دل انسان مانند آینه‌ای است که جلوه‌گاه خداوند است.

آرایه تشبیه: «آینه‌دل» اضافهٔ تشبیهی است. | تناقض: صورت بی‌صورت | جناس: جیب و غیب (ناهمسان) | تلمیح: به وحی شدن به موسی (ع) اشاره دارد.

دستور کل مصراع اول یک گروه اسمی است که نقش نهاد دارد، هستهٔ گروه یعنی «صورت» نهاد است و سه وابستهٔ پسین دارد که دو وابستهٔ اول

یعنی «بی‌صورت»، «بی‌حد» صفت هستند و «غیب» مضاف‌الیه است.

فخری که از وسیلتِ دون‌همتی رسد گر نام‌وننگ داری، از آن فخر، عار دار

معنی افتخاری که از جانب یک انسان پست و فرومایه (یا با پستی و دون‌همتی) برای تو حاصل شود. اگر آبرو داری از آن افتخار دوری کن و آن را عیب و ننگ بدان.

مفهوم افتخاری که به وسیلهٔ انسان پستی حاصل شود مایهٔ ننگ است.

آرایه تناقض: از فخر عار داشتن | تضاد: فخر و عار | جناس: دار و عار (ناهمسان) | ایهام: دون‌همتی: ۱- یک شخص دون‌همت ۲- دون‌همت بودن

دستور کل بیت یک جملهٔ مرکب است، «از آن فخر، عار دار» جملهٔ هسته یا پایه است، و دو جملهٔ دیگر جمله‌های پیرو یا وابسته هستند. در مصراع

دوم «و» میان‌وند است و نام‌وننگ یک واژه است.

گریهٔ شام و سحر، شکر که ضایع نگشت قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

معنی شکر خدا می‌گویم که گریه‌های شب و سحرگاه من بیهوده نبود و این قطرات اشک مانند مرواریدی بی‌نظیر شد و به بار نشست.

مفهوم به ثمر نشستن گریه و زاری عاشق | صبر بر سختی کلید کامیابی است.

آرایه تضاد: شام و سحر | استعاره: «قطرهٔ باران ما» استعاره از «اشک ما» است. | تشبیه: قطرهٔ باران (اشک) مانند گوهر (مروارید) شد.

دستور در مصراع اول فعل جملهٔ هسته به قرینهٔ معنوی حذف شده است: [من] شکر [می‌گویم] که گریهٔ شام و سحر ضایع نگشت.

منزل حافظ کنون بازگه پادشاست دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

معنی منزل حافظ (یا دل حافظ) اکنون محل حضور معشوق است. دلم به دلدارش رسید و معشوق و جانان من به سوی جان من آمد (یا جان من نزد معشوق رفت).

مفهوم فرارسیدن دولت وصال

آرایه تشبیه: «منزل حافظ» به «بازگه پادشاه» تشبیه شده است. | استعاره: «پادشاه» استعاره از «معشوق» است. | مجاز: «دل» و «جان» استعاره

از «کل وجود» است.

دستور «شد» در مصراع دوم فعل غیراسنادی است و معنی «رفت» می‌دهد.

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

معنی ای کسی که من را نصیحت می‌کنی. این کار بیهوده را به زمان دیگری بینداز. زیرا اکنون تمام هوش و حواسم به موسیقی است و در این جا حاضر نیستم.

مفهوم پندناپذیری عاشق

آرایه جناس (همسان): چنگ (ساز چنگ) و چنگ (دست) | کنایه: «گوش بر چیزی بودن» کنایه از «به آن چیز با دقت گوش دادن» است و

«در دست نبودن دل» کنایه از «مدهوش و حیران بودن». | تضاد: است و نیست | مراعات‌نظیر: گوش، دل و چنگ

دستور ضمیر پیوسته «م» در مصراع اول متمم و در مصراع دوم مضاف‌الیه (جهش‌یافته) است: ای [کسی] که به من پند می‌دهی - این زمان

گوشم (گوش من) بر چنگ است.

۱- در امتحان نهایی سال‌های قبل از تمام ابیات و عبارات داخل متن اصلی، قلمروها، گنج حکمت‌ها و روان‌خوانی‌ها سوالات لغت، املا، مفهوم، آرایه و دستور طرح می‌شد و فقط معنی آن‌ها مورد سؤال قرار نمی‌گرفت. در آزمون نهایی سال ۱۴۰۳ مقرر شد که از متن گنج حکمت‌ها و ... سؤال دستور و آرایه طرح نشود؛ فقط سؤال لغت و املا و مفهوم بماند. اما با توجه به ثابت نبودن رویه طرح سؤال و تغییرات لحظه‌ای آن‌ها تصمیم گرفتیم. این ابیات را هم بررسی کنیم اما شما با توجه به بخش‌نغمه‌هایی که برای امتحان نهایی خودتان صادر می‌شود، به مطالب مهم بیشتر توجه کنید.



رزق هرچند بی‌گمان برسد شرط عقل است جُستن از درها

معنی اگرچه یقیناً روزی هرکس به او خواهد رسید، ولی عقل حکم می‌کند که روزی را با تلاش و کوشش جست‌وجو کنیم.
مفهوم روزی بدون تلاش و کوشش حاصل نمی‌شود (از تو حرکت از خدا برکت).

سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگری

معنی درخت ارغوانی را دیدم که سایه‌اش را بر سر یک انسان خسته و ناتوان کشیده‌است، به او گفتم همیشه شاداب و جوان باشی چون همیشه به فکر نیکی کردن به دیگران هستی.
مفهوم کسی که به دیگران خیر می‌رساند، نیکی او به او بازخواهد گشت.
آرایه تشخیص: به گوش ارغوان سخن گفتن

چه در کار و چه در کارآزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن

معنی در همه کارها و در همه حالات جز به خودت نباید به شخص دیگری تکیه کنی.
مفهوم خوداتکایی (در همه حالت فقط به خود و نیروی خود تکیه کردن)

گنج حکمت - همت

خلاصه درس: در گنج حکمت «همت» که از کتاب «بهلاستان» جامی انتخاب شده است بر این مطلب تأکید شده که توان و نیروی واقعی هر شخص به زور بازو و جثه و اندام او نیست، بلکه همت و اراده هر شخص توان او را نشان می‌دهد.

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

معنی موری را دیدند که با قدرت و با اراده محکم، ملخی را که ده برابر او وزن داشت، برداشته است. با تعجب گفتند: به این مور نگاه کنید که باری به این سنگینی را چگونه حمل می‌کند.
آرایه کنایه: «کمر بستن» کنایه است از «اراده انجام کاری کردن».
دستور «چون» (بر وزن خون) در جمله پایانی به معنی «چگونه» است و نقش قید دارد.

مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی **حمت** کشند، نه به قوت تن.»

لطف **حمت:** غیرت، جوانمردی، مردانگی
معنی مور وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: «انسان‌ها بار را به خاطر همت و اراده خود حمل می‌کنند نه به دلیل زور بازو و قدرت جسمشان».
مفهوم همت و غیرت از زور بازو و توان جسمانی مهم‌تر و ارزشمندتر است.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبان

۱- معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- معیار دوستان **دغل** روز حاجت است
 - صورت بی‌صورت بی‌حسب غیب
 - فخری که از وسيلت **دون‌همتی** رسد
 - **دغل:** ناراست، حيله‌گر | **جیب:** گریبان، یقه | **دون‌همت:** کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه
- فرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
صائب
مولوی
اوحدی

۱- کتاب درسی بعد از هر درس سؤالاتی از مطالب درس در سه بخش قلمرو زبانی، قلمرو ادبی و قلمرو فکری مطرح کرده‌است که گاهی خود این سؤالات و گاهی سؤالاتی کاملاً مشابه با این سؤالات در امتحان نهایی دیده می‌شود. لازم است بیش از هر چیز به این سؤالات پاسخ دهیم. ما این سؤالات را همراه با پاسخ آن‌ها در اینجا می‌آوریم.

۲ برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

- پیوندهای هم‌پایه‌ساز:
شد و تکیه بر آفریننده کرد
- پیوندهای وابسته‌ساز:

در این بود درویش شوریده‌رنگ
چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
بخور تا توانی به بازوی خویش
که شیری برآمد شغالی به چنگ
ز دیوار محرابش آمد به گوش
که سعیت بود در ترازوی خویش

۳ معنی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

«شد» در بیت اول اسنادی است و «گوهر یکدانه» مستند است، «شد» در بیت دوم غیر اسنادی است و به معنی «رفت» است.

۴ برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روشی که در کتاب نوشته شده است، نمونه‌های مناسب بنویسید.

- معانی مختلف دست: ۱- عضو بدن ۲- واحد شمارش بعضی اجناس

پارسا دستش را بر زمین گذاشت و برخاست: دست عضو بدن است و به دلیل فرار گرفتن در جمله معنی آن مشخص شده است.

دست و بدن: عضو بدن. به دلیل رابطه تضمن

دست و جین: واحد اندازه‌گیری. به دلیل رابطه مترادف

- معانی مختلف تند: ۱- سریع ۲- طعم تند و سوزنده ۳- خشمگین ۴- شدید

آفتاب خیلی تند بود و چشمان را می‌زد: به معنی شدید است و از معنی جمله به معنی آن پی می‌بریم.

تند و کند: سریع، با رابطه تضاد

تند و عصبانی: خشمگین، رابطه مترادف

قلمرو ادبی

۱ از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

زخندان به جیب بردن: کنایه از گوشه‌نشینی و تفکر است. مینداز خود را: خودت را به ضعیفی نزن.

۲ در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه جناس همسان (نام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش برچنگ است و دل درچنگ نیست سعدی

«چنگ» اول به معنی «ساز چنگ» است و «چنگ» دوم به معنی «دست». به کار بردن واژه‌ای در دو معنی متفاوت در یک بیت جناس همسان یا تام ایجاد می‌کند.

۳ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

چه باشی چو روبه به وامانده سیر: [تو]: مشبه | چو: ادات تشبیه | روبه: مشبه‌به | به وامانده سیر بودن: وجه شبه

۴ در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

«شیر» نماد انسان‌هایی است که به توان و قدرت خود تکیه می‌کنند و «روباه» نماد انسان‌هایی است که خود را به ناتوانی می‌زنند و طفیلی و وابسته هستند.

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

انسان عاقل و خردمند به دیگران بخشنده‌گی و لطف می‌کند: زیرا انسان‌های پست و فرومایه، بی‌عقل و خرد هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

۲ درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد

مرد درویش با دیدن ماجرای روباه بی‌دست‌وپا به این یقین رسید که خدا روزی‌رسان است و از آن پس به روزی‌رسانی خدا تکیه کرد. پس مفهوم این بیت «توکل کردن به روزی‌رسانی خداوند» است.



برای مفهوم هریک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

الف) رزق هرچند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها **سعدی**

بیت ۱۱: برو شیر درنده باش، ای دغل / میداز خود را چو رویاه شل

و بیت ۱۲: چنان سعی کن کر تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) سحر دیدم درخت ارغوانی / کشیده سر به بام خسته‌جانی **فریدون مشیری**
به گوش ارغوان آهسته گفتم: / بهارت خوش که فکر دیگرانی

بیت ۱۷: کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

ج) چه در کار و چه در کارآزمودن / نباید جز به خود، محتاج بودن **پروین اعتصامی**

بیت ۱۳: بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

درباره ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

نتیجه‌گیری نهایی سعدی از داستان این است که درست است خدا روزی را می‌رساند اما به شرط آن که تلاش و حرکت از جانب بنده صورت گیرد یعنی «از تو حرکت، از خدا برکت».

سؤالات تشریحی

قلمرو زبان

لغت

۳۶ معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد شغالی به چنگ
ب) ز نخدان فروبرد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب
ج) برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو رویاه شل

۳۷ هر کدام از توضیحات زیر مربوط به چه کلمه‌ای است؟

الف) نوعی سزا که سر آن خمیده است و تارها دارد:
ب) جانور پستانداری از تیره سگان که جزورسته گوشتخواران است:

۳۸ مترادف واژه‌های «خوراک، چانه» را در ابیات زیر پیدا کنید. (یک بیت اضافه است.)

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) ز نخدان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب
ج) دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۳۹ در ابیات زیر کلماتی را پیدا کنید که متضاد «سعادت‌مند، آشکار، حيله‌گر» باشند. (یک کلمه اضافه است.)

الف) ز نخدان فرو برد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب
ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

۴۰ معادل درست توضیحات زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه (دغل - دون‌همت)

ب) عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند. (محراب - غیب)

۴۱ از بین واژه‌های زیر یک برابر معنایی برای واژه‌های «جای ایستادن در نماز، جوانمردی، دست و پای از کارافتاده» بیابید.

«همت، صنع، فروماندن، شل، تیمار، دغل، حمیت، دون‌همت، محراب، قوت، درویش»

املا

۴۲ در هر کدام از ابیات زیر یک «غلط املایی» بیابید و درست آن را بنویسید.

الف) یکی روبه‌هی دید بی‌دست‌ویای / فروماند در لطف و صنع خدای
ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار مهربانش آمد به گوش
ج) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد / گر نام و ننگ داری از آن فخر آر دار

۴۳ املاي درست واژه را از داخل کلمات انتخاب نماييد.

الف) معيار دوستان دغل روز حاجت است (قرضي - غرضي) به رسم تجربه از دوستان طلب
ب) مردان، بار را به بازوي (حميت - هميت) کشند نه به قوت تن.

۴۴ در کدام يك از ابیات زیر «غلط املايی» وجود دارد؟ شکل درست آن را بنويسيد.

الف) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
ب) دَنخِداَن فرو برد چندی به جیب
ج) بَرُو شیر دَرَنده باش، ای دغل
که دون همتانند بی مغز و پوست
که بخشنده روزی فرستد ز غیب
مینداز خود را چو روباه شل

۴۵ در کدام بیت کلمه‌ای وجود دارد که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد؟ آن واژه را مشخص کنید.

الف) شغال نگون بخت را شیر خورد
ب) فخری که از وسیلت دون همتی رسد
ج) رزق هر چند بی گمان برسد
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار
شرط عقل است جستن از درها

دستور زبان

۴۶ در ابیات زیر نقش کلمات مشخص شده را بنويسيد.

الف) یکی روبه‌ی دید بی دست‌ویای
ب) شغال نگون بخت را شیر خورد
ج) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
د) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
فروماند در لطف و صنع خدای
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
که دون همتانند بی مغز و پوست

۴۷ در ابیات زیر «جمله‌های مرکب» را مشخص کنید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ
ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
که شیری برآمد شغالی به چنگ
ز دیول محرایش آمد به گوش

۴۸ در ابیات زیر «حرف ربط وابسته‌ساز» و «جمله وابسته» را مشخص کنید.

الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
ب) فخری که از وسیلت دون همتی رسد
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

۴۹ در ابیات زیر، مشخص کنید، کلمه مشخص شده «پیوند وابسته‌ساز» است یا «پیوند هم‌پایه‌ساز».

الف) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
ب) یقین، مرد را دیده بیننده کرد
که روزی‌رسان قوت روزش بداد
شد و تکیه بر آفریننده کرد

۵۰ در ابیات زیر «پیوند وابسته‌ساز» و «پیوند هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

الف) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
ب) با زمانی دیگر انداز ای که بندم می‌دهی
قطره باران ما گوهر یکدانه شد

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۵۱ با توجه به بیت زیر درستی یا نادرستی هر کدام از موارد زیر را مشخص کنید.

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

درست نادرست

درست نادرست

درست نادرست

الف) در مصراع دوم «چو» پیوند وابسته‌ساز است.

ب) «بیگانه» و «رگ» هم نقش هستند.

ج) هر دو «و» حرف عطف هستند.

۵۲ نقش دستوری «ضمیر پیوسته» را در ابیات زیر بنويسيد.

الف) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
که روزی‌رسان قوت روزش بداد
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۵۳ در ابیات زیر «ضمیر پیوسته» را مشخص کنید و نقش دستوری آن را بنويسيد.

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
ب) بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بود در ترازوی خویش



- ۵۴ در کدام یک از ابیات زیر «حذف فعل» صورت گرفته است؟ نوع حذف را بنویسید.
- الف) برو شیر دژنده باش، ای دغل
ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
میندلز خود را چو روباه شل
- ۵۵ معنی واژه‌های مشخص شده را در ابیات زیر بنویسید و بیان کنید به چه علت به این معنی رسیدید (با توجه به روابط واژگان یا قرار گرفتن واژه در جمله).
- الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ
ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
که شیری برآمد شغالی به جنگ
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
- ۵۶ در هر یک از موارد زیر بنویسید که چه رابطه‌ای بین واژگان وجود دارد.
- الف) نرگس و سوسن: (ب) سیاره و مشتری: (ج) غم و شادی: (د) جیب و گریبان:
- ۵۷ رابطه واژگان در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟
- ۱) شغال و روباه ۲) جنگ و نای ۳) زنخدان و جنگ ۴) قوت و خوراک
- ۵۸ در ابیات زیر واژه‌هایی را بیابید که بین آن‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد که در کمانک جلوی آن نوشته شده است.
- الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
ب) سحر دیدم درخت لرغوانی
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (تضاد)
کشیده سر به بام خسته‌جانی (تضمن)
- ۵۹ در ابیات زیر مشخص کنید آیا رابطه داخل کمانک بین کلمات بیت برقرار است یا خیر.
- الف) که چون زندگانی به سر می‌برد
ب) بخور تا توانی به بازوی خویش
بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟ (تناسب)
که سعیت بود در ترازوی خویش (تضمن)
- ۶۰ در ابیات زیر «اسنادی» یا «غیر اسنادی» بودن افعال مشخص شده را بررسی کنید.
- الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
ب) معیل دوستان دغل روز حاجت است
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
- ۶۱ در ابیات زیر مشخص کنید در هر کدام از مصراع‌ها «فعل اسنادی» وجود دارد یا خیر.
- الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است
ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که خلق از وجودش در آسایش است
که دون هم‌تاند بی‌مغز و پوست
- ۶۲ مشخص کنید افعال پایان هر مصراع «اسنادی» هستند یا «غیر اسنادی»؟
- الف) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
ب) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
دل بر دلدل رفت، جان بر جانانه شد

قلمرو ادبی

آرایه‌های ادبی

- ۶۳ مشخص کنید در هر یک از ابیات زیر، کدام آرایه ادبی داخل کمانک وجود دارد.
- الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور
ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.
- الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب
که سعیت بود در ترازوی خویش (تشبیه - مجاز - اغراق)
که بخشنده روزی فرستد ز غیب (استعاره - کنایه - تشخیص)
- ۶۴ در هر کدام از ابیات زیر بررسی کنید، آرایه داخل کمانک در آن بیت وجود دارد یا خیر.
- الف) یکی روبه‌هی دید بی‌دست و پای
ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
کاربرد آرایه «مجاز» را در بیت زیر نشان دهید.
- الف) فروماند در لطف و صنع خدای (جناس)
ب) چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (ایهام تناسب)
- ۶۵ کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که دون هم‌تاند بی‌مغز و پوست

۶۷ در ابیات زیر «ارکان تشبیه» را مشخص کنید.

الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
ب) کز این پس به کنجی نشینم چو مور

۶۸ در بیت زیر کلمه «بازو» کدام آرایه ادبی را ایجاد کرده است.

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۶۹ غیر از آرایه‌های «مراعات نظیر»، «کنایه» و «واج آرای» یک آرایه مشترک در ابیات زیر بنویسید.

الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر
ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
نه خود را بیفکن که دستم بگیر

۷۰ آرایه مشترک ابیات زیر «تضاد» است یا «جناس»؟

الف) دگر روز باز ائتفاق اوفتاد
ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
که روزی در سان قوت روزش بداد
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۷۱ در کدام یک از ابیات زیر آرایه «تلمیح» دیده می‌شود؟

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که سعیت بود در ترازوی خویش
که دون هم‌تائند بی‌مغز و پوست

۷۲ در بیت زیر کدام واژه «استعاره» دارد؟

کسی نیک بیند به هر دو سرای

۷۳ در ابیات زیر آرایه «جناس» را نشان دهید.

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
ز دیوار محرابش آمد به گوش
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۷۴ در بیت زیر کدام کلمات آرایه «جناس» ایجاد کرده‌اند؟ نوع جناس را بنویسید.

کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون هم‌تائند بی‌مغز و پوست

۷۵ هر کدام ابیات را به آرایه مربوط به آن به گونه‌ای وصل کنید که هیچ آرایه بدون بیت نماند. (یک بیت اضافی است و ممکن است در هر بیت بیشتر از یک آرایه وجود داشته باشد.)

ب	الف
<input type="checkbox"/> تشبیه	الف) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
<input type="checkbox"/> تضاد	ب) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
<input type="checkbox"/> استعاره	ج) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
	د) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
	که دون هم‌تائند بی‌مغز و پوست
	قطره بلران ما گوهر یکدانه شد
	دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
	ز دیوار محرابش آمد به گوش

تاریخ ادبیات

۷۶ نام پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید.

● بوستان: ● بهارستان:

۷۷ درستی و نادرستی هر کدام از موارد زیر را بررسی کنید.

الف) «بوستان» و «بهارستان» هر دو منظوم هستند.

ب) «بهارستان» محتوای تعلیمی دارد و درون‌مایه «بوستان» غنایی است.

نادرست درست

نادرست درست

قلمرو فکری

معنی شعر و نثر

۷۸ ابیات زیر را به فارسی روان بازنویسی کنید.

الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد
ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
شد و تکیه بر آفریننده کرد
ز دیوار محرابش آمد به گوش



۷۹ ابیات زیر را به فارسی روان بازنویسی کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که سعیت بود در ترازوی خویش
که دون هم‌توانند بی‌مغز و پوست

درک مطلب

۸۰ مفهوم هر کدام از ابیات زیر را بنویسید.

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور
ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
که روزی نخوردند پیلان به زور
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۸۱ مفهوم هر کدام از ابیات زیر را بنویسید.

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است
ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
که خلق از وجودش در آسایش است
کاین زمانم گوش برچنگ است و دل درچنگ نیست

۸۲ کدام گزینه بیانگر مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» است؟

الف) چه در کار و چه در کلام آزمون
ب) رزق هرچند بی‌گمان برسد
نباید جزیه خود محتاج بودن
شرط عقل است جستن لای درها

با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور
ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است
ج) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
د) کسی نیک بیند به هر دو سرای
ه) چه در کار و چه در کلام آزمون
که روزی نخوردند پیلان به زور
که خلق از وجودش در آسایش است
که دون هم‌توانند بی‌مغز و پوست
که نیکی رساند به خلق خدای
نباید جز به خود، محتاج بودن

۸۳ کدام ابیات با هم تقابل مفهومی دارند؟

۸۴ در کدام بیت بر این نکته تأکید شده است که «نتیجه عمل هرکس به خودش بازمی‌گردد»؟

۸۵ در کدام بیت «بخشنده‌گی و کرم» با «عقل و خرد» مرتبط دانسته شده است؟

۸۶ در این ابیات چه چیزی نماد «گوشه‌نشینی و تلاش نکردن» برای روزی است؟

۸۷ مقصود شاعر از «روزی نخوردند پیلان به زور» چیست؟

۸۸ با توجه به این ابیات خدا چه کسی را مورد «عنایت و بخشایش» خود قرار می‌دهد؟

۸۹ مفهوم بیت «معیار دوستان دغل روز حاجت است / قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب» کدام است؟

الف) دوستان نادرست فقط در روز نیل‌مندی از دوستان خود یاد می‌کنند.

ب) در روز گرفتاری می‌توان دوستان واقعی را شناخت.

۹۰ مفهوم اصلی کدام بیت «تکیه کردن بر زور بازوی خود» است؟

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است
ب) بخور تا توانی به بازوی خویش
که خلق از وجودش در آسایش است
که سعیت بود در ترازوی خویش

سوالات مهارت

۹۱ در کلمات زیر واژگانی را که با هر کدام از واژگان نوشته شده، مترادف باشند، پیدا کنید و جلوی آن‌ها بنویسید. چند واژه هیچ مترادفی ندارند؟

باغیرت، ناجوانمرد، توانایی، حيله‌گر، غیرت، رزق روزانه، نوعی جامه، جوانمردی، گریبان، یقه، اراده، غذا، ناراست، خوراک، مردانگی

دغل: قوت: جیب: حمیت:

۹۲ مترادف واژه‌های «پنهان، چانه، شوریده‌رنگ» را در ابیات زیر پیدا کنید (یک بیت اضافه است).

الف) بلبل آشفته‌حال از سر مستی بنال
ب) ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان
ج) ای فروغ ماه حسن لای روی رخشان شما
د) ز جیب خاور نمود روی منیر، آفتاب
موسم هجران گذشت، نوبت وصل است و حال
کدام محرم دل ره در این حرم دارد
آب روی خوبی از چاه زتخدان شما
بر آسمان شد بلند، خیمه زرین طناب

۹۳ در کدام گزینه کلمه‌ای وجود دارد که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» است؟

- ۱) دگر روز باز اتفاق افتاد
- ۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۳) گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
- ۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است

۹۴ در ابیات زیر «جملات وابسته» را مشخص کنید.

- الف) چو صبرش نماند از ضعفی و هوش
ب) رزق هر چند بی‌گمان برسد
ج) کسی نیک بیند به هر دو سرای

۹۵ در برابر هر بیت تعداد «جملات وابسته» را بنویسید.

- الف) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
ب) به گوش ارغوان آهسته گفتم
ج) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
بهارت خوش که فکر دیگرانی
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۹۶ در ابیات زیر نوع «و» را بررسی کنید. نوع «و» در کدام ابیات همانند است؟

- الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد
ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
ج) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
د) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
- شد و تکیه بر آفریننده کرد
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار

۹۷ طریقه فهمیدن معنی مورد نظر از واژه مشخص شده در کمانک جلوی کدام ابیات درست و کدام نادرست است؟

- الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
ج) دگر روز باز اتفاق افتاد
- چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (قرار گرفتن در جمله)
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (رابطه تناسب)
که روزی رسیان قوت روزش بداد (قرار گرفتن در جمله)
- نادرست درست
 نادرست درست
 نادرست درست

۹۸ در کدام گروه واژه، رابطه معنایی واژه‌ها، با سایر گروه‌ها، متفاوت است؟

- ۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قضیده
۲) تقوی و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح
۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی
۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته‌سیاه - پادگان و سرباز

۹۹ در هر کدام از ابیات زیر واژه‌هایی بیابید که بین آن‌ها رابطه‌ای که داخل کمانک نوشته شده است وجود داشته باشد.

- الف) پست و بلند پیش نسیم خزان یکی است
ب) خول کن خلق را به جاه و به چیز
ج) سر بر نکرد پاک‌نهادی ز جیب خاک
د) ملهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
- چون تاک بر درخت دویدن چه فایده (تضمن)
تابمانی به چشم خلق عزیز (تضاد)
گیتی سری سزای گریبان نداشته‌است (ترادف)
- حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است (تناسب)

۱۰۰ فعل‌های «اسنادی» را در ابیات زیر مشخص کنید.

- الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است
ج) گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست

۱۰۱ در کدام گزینه «فعل اسنادی» دیده نمی‌شود؟

- ۱) رزق هر چند بی‌گمان برسد
۲) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
۳) برو شیر درنده باش، ای دغل
۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است
- شرط عقل است جستن از درها
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
مینداز خود را چو روباه شل
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب



۱۵۲ در ابیات زیر کلماتی را که نقش «مسند» دارند، مشخص کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش
ب) به گوش ارغوان آهسته گفتم

۱۵۳ در کدام گزینه حذف فعل دیده نمی‌شود؟

۱) چه در کلا و چه در کارآزمودن
۲) بگیر ای جوان دست درویش پیر
۳) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
۴) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

۱۵۴ نقش کلمات مشخص شده در هر بیت را بنویسید.

الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد
ب) در این بود درویش شوریده‌رنگ
ج) چنان سعی کن کز تو ماند جو شیر
د) دگر روز باز اتفاق اوفتاد

شد و تکیه بر آفریننده کرد و
که شیری برآمد شغالی به جنگ و
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ و
که روزی‌رسان قوت روزش بداد و

۱۵۵ در کدام گزینه «قید» وجود ندارد؟

۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
۲) چنان سعی کن کز تو ماند جو شیر
۳) کسی نیک بیند به هر دو سرای
۴) منزل حافظ کنون بازگه پادشاست

بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
که نیکی رساند به خلق خدای
دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

۱۵۶ در هر کدام از ابیات زیر قیدها را مشخص کنید.

الف) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
ب) ز نخدان فرو برد چندی به جیب
ج) به گوش ارغوان آهسته گفتم
د) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی

که روزی‌رسان قوت روزش بداد
که بخشنده روزی فرستد ز غیب
بهارت خوش که فکر دیگری
کاین زمانم گوش بر جنگ است و دل در جنگ نیست

۱۵۷ در ابیات زیر به جز آرایه‌های «کنایه، مراعات نظیر و واج‌آرایی» دو آرایه مشترک بنویسید.

الف) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
ب) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار

۱۵۸ هر کدام از ابیات ستون (الف) را به آرایه مناسب در ستون (ب) به گونه‌ای وصل کنید، که هیچ بیت یا آرایه‌ای خالی نماند.

الف	ب
الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست ب) بخور تا توانی به بازوی خویش ج) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب د) رزقی هر چند بی‌گمان برسد	<input type="checkbox"/> تلمیح <input type="checkbox"/> ایهام تناسب <input type="checkbox"/> جناس <input type="checkbox"/> تشبیه
جو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست که سعیت بود در ترازوی خویش ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب شرط عقل است جستن از درها	

۱۵۹ آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

«منزل حافظ کنون بازگه پادشاست
۱) تضاد، استعلا، جناس، تلمیح
۲) تشبیه، استعلا، مجاز، مراعات نظیر
۳) جناس، تشخیص، تشبیه، مراعات نظیر
۴) مجاز، تلمیح، تضاد، تشخیص

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد»

۱- در مباحث دستور زبان و آرایه، تمرین و تکرار مطالب بسیار مهم است و راهی جز تمرین و تکرار برای رسیدن به تسلط بر این مباحث وجود ندارد. برای همین لازم است نکات دستوری مهم در تمام درس‌ها بررسی شوند. مادر سؤالات هر درس در دو سطح متفاوت ابتدا مطالب دستوری را که در آن درس مطرح شده است مورد پرسش قرار می‌دهیم. سپس با استفاده از ابیات و عبارات همان درس مطالب دستوری را که قبلاً آموخته‌اید مورد بررسی قرار می‌دهیم. در سؤالات مهارت سطح سؤالات دشوارتر است و گاهی از سؤالات تستی هم استفاده می‌شود که باید بدانید سهم قابل توجهی از سؤالات دشوار امتحان نهایی را سؤالات تستی به خود اختصاص می‌دهد. اگر در ابتدای کتاب نمی‌توانید به تمام سؤالات پاسخ درست دهید، نگران نشوید با تکرار مطالب در درس‌های بعد و مطالعه نکته‌ها و درس‌نامه‌هایی که در خلال کار با آن روبه‌رو می‌شوید کم کم بر تمام موارد دستوری مسلط خواهید شد.

هر کدام از ابیات ستون (الف) را به آرایه مناسب در ستون (ب) وصل کنید. (ممکن است هر کدام از ابیات بیش از یک آرایه از ستون (ب) را داشته باشند.)

الف	ب
الف) نه بیگانه نیمه خوردش نه دوست ب) برو شیر درنده باش، ای دغل ج) بخور تا توانی به بازوی خویش د) کسی نیک بیند به هر دو سرای	<input type="checkbox"/> مجاز <input type="checkbox"/> تشخیص <input type="checkbox"/> تشبیه <input type="checkbox"/> استعاره
الف) چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست مینداز خود را چو روباه شل که سعیت بود در ترازوی خویش که نیکی رساند به خلق خدای	

۱۱۱ در هر کدام از ابیات زیر «وجه شبه» را مشخص کنید. در کدام بیت «وجه شبه» حذف شده است؟

الف) برو شیر درنده باش، ای دغل	الف) چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
ب) صورت بی صورت بی حد غیب	ب) مینداز خود را چو روباه شل
ج) نه بیگانه نیمه خوردش نه دوست	ج) ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
	د) چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۱۱۲ مفاهیم نسبت داده شده به کدام ابیات درست و کدام ابیات نادرست است؟

الف) منزل حافظ کنون بلرگه پادشاست	الف) دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد (فرارسیدن مرگ و رسیدن به دیدار خداوند)
ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای	ب) که نیکی رساند به خلق خدای (انسان نیک، همواره نیکی می بیند).
ج) بگیر ای جوان دست درویش پیر	ج) نه خود را بیفکن که دستم بگیر (اعتنام جوانی و نیروی جوانی)
د) کز این پس به کنجی نشینم چو مور	د) که روزی نخوردند پیلان به زور (کسب روزی نیاز به زور و تلاش ندارد)
ه) صورت بی صورت بی حد غیب	ه) ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب (جلوه خداوند در تمام عالم هستی)

۱۱۳ مفهوم بیت «دلیل آن که تو را از خدای نیک افتاد / بس است خلق جهان را که از تو نیک افتاد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش	الف) که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است	ب) که خلق از وجودش در آسایش است

۱۱۴ مفهوم «مرغ دست آموز روزی بی نیاز است از طلب / در تلاش این شکار رام دست و پا مزین» با مفهوم کدام بیت تقابل دارد؟

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور	الف) که روزی نخوردند پیلان به زور
ب) رزق هر چند بی گمان برسد	ب) شرط عقل است جستن از درها

۱۱۵ مفاهیم «تجلی خدا بر قلب انسان، خودآنگایی، توکل، پندناپذیری عاشق» به ترتیب در کدام ابیات دیده می شود؟

الف) چه در کار و چه در کار آزمودن	الف) نباید جز به خود محتاج بودن
ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی	ب) کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
ج) یقین، مرد را دیده بیننده کرد	ج) شد و تکیه بر آفریننده کرد
د) صورت بی صورت بی حد غیب	د) ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

۱) ج، الف، د، ب

۲) ج، الف، ب، د

۳) د، الف، ب، ج

۴) د، الف، ج، ب



در این قسمت چهار آزمون (فعل (تالیفی و نوابی) برای شما قرار داده ایم. تا پس از مطالعه کامل دروس، خود را متک برزید. در پاسخ همانند امتحان نوابی بار ۳ هر قسمت مشخص شده است تا بتوانید نمره خود را به صورت دقیق محاسبه کنید.

آزمون ۵ - آزمون جامع (۱)

صفحه پاسخ: ۳۲۶ تا ۳۲۵



مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تألیفی	رشته: همه رشته‌ها	امتحان نهایی: فارسی ۲
ردیف	سؤالات		
نمره	قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۰/۵	۱ معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) برو اگر به طوع و رغبت نیامد به اکراه و به اجبار برگیر و بیاور. ب) ناگاه صیادی بدحال خشن جامه جالی بر گردن و عصایی در دست روی بدان درخت نهاد.		
۰/۵	۲ برای هر کدام از واژه‌های «ترس» و «تفی کردن» یک واژه مترادف در ابیات زیر بیابید (یک بیت اضافی است). الف) هلا منکر جان و جانان من ب) گو یارب از این گزاف‌کاری ج) فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بزن زخم انکار بر جان من توفیق دهم به رستگاری بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ		
۰/۵	۳ در هر یک از موارد زیر یک «غلط املایی» وجود دارد. آن را بیابید و درست آن را بنویسید. الف) بونصر را بگوی هزار متقال زر است که پدر ما از غزو هندوستان آورده است و هلال تر مال هاست. ب) چو غلتید در خاک آن ژنده‌فیل یزد بوسه بر دست او جبرعیل		
۰/۵	۴ شکل درست واژه‌ها را از داخل گمانک انتخاب کنید. الف) بسیار دعا کرد و گفت: این (سلت - صلت) فخر است، پذیرفتم و بز دادم. ب) سر ز یا نمی‌شناختم، (مسحور - مسهور) کار خود بودم و ابدأ توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم.		
۰/۵	۵ در گروه کلمات زیر موارد نادرست املایی را مشخص کنید و درست آن را بنویسید. حشم و مطربان - سور و شادی - بزرگ و صعب - تب و صرصام - دها و زیرکی - مهملی و ولنگاری - موهبت الهی - تلمذ و شاگردی - صنم و بت - مصامحه و سهل‌انگاری - غضنفر و هزیر - خوالیگر و آشپز - فرعونیان و قبطیان - العاح و اصرار		
۰/۵	۶ در هر کدام از موارد زیر کلمه‌ای را پیدا کنید که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» باشد. (یکی از موارد فاقد هم‌آوا است). الف) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش ب) شبی را تا شبی با لشکری خرد ج) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش آنک امام ما علم بگرفته بر دوش ز تن‌ها سر ز سرها خود افکند ز دیوار محرابش آمد به گوش		
۰/۵	۷ در بیت زیر جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) را مشخص کنید. چون موسم حج رسید برخاست اشتر طلبید و محمل آراست		
۰/۵	۸ در ابیات زیر بررسی کنید، فعل مشخص شده اسنادی است یا غیر اسنادی؟ الف) بین لاله‌هایی که در باغ ماست ب) سوی لشکر آفریدون شدند خمشند و فریادشان تا خداست ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند		
۰/۵	۹ جمله زیر را مجهول کنید. «بعد از بیست و دو سال ذهن من هنوز این مسئله را نگشوده است.»		
۰/۵	۱۰ در تمام ابیات زیر، نقش کلمات مشخص شده در گمانک روبه‌روی آن درست آمده است، به‌جز: الف) چون رایب عشق آن جهانگیر ب) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند ج) شبی آمد که می‌باید فدا کرد د) بگیر ای جوان دست درویش پیر شد چون مه لیلی آسمان‌گیر (نهاد - متمم) سفر بر مدار خطر کرده‌اند (قید - مضاف‌الیه) به راه مملکت قرزند و زن را (قید - مفعول) نه خود را بیفکن که دستم بگیر (منادا - صفت)		

۰/۵	۱۱	در هر کدام از ابیات زیر یک «وابسته پیشین» مشخص کنید و نوع آن را بنویسید. الف) چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ به سر کوفت شیطان دو دست دریغ ب) هر روز خنیده نام‌تر گشت در شیفتگی تمام‌تر گشت												
۰/۵	۱۲	بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید. می‌داشت پدر به سوی او گوش کاین قصه شنید گشت خاموش												
۰/۲۵	۱۳	در بیت زیر کدام «واو» متفاوت است؟ ز ره لخت لخت و قبا چاک چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک (الف) (ب) (ج)												
۰/۲۵	۱۴	در کدام عبارت «حذف شناسه فعل» دیده می‌شود؟ الف) صیاد گرزبان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد. کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید. ب) زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود. و از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.												
۰/۵	۱۵	در عبارات زیر «نوع صفت بیانی» مشخص شده را بنویسید. الف) بنابراین خاله‌ام با همه تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود. ب) این شیخ همیشه شتاب، معلم اول که هم هبیت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.												
قلمرو ادبی (۵ نمره)														
۰/۵	۱۶	در ابیات زیر آرایه درست را از داخل گمانک انتخاب کنید. الف) پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ ب) به پاس هر وجب خاکی از این ملک چه بسیار است آن سرها که رفته (حسن آمیزی - تشخیص) (مجاز - استعلا)												
۰/۵	۱۷	در کدام یک از بیت‌های زیر آرایه «حسن تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید. الف) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگیات فرات در جوش و خروش ب) جانان من اندوه لبنان کشت ما را بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را												
۱	۱۸	هر یک از ابیات گروه (الف) با کدام آرایه گروه (ب) ارتباط دارد؟ (در گروه (ب) یک مورد اضافه است)												
		<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) اگر لطفش قرین حال گردد</td> <td><input type="checkbox"/> تناقض</td> </tr> <tr> <td>ب) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب</td> <td><input type="checkbox"/> ایهام</td> </tr> <tr> <td>ج) نهادند آوردگانه‌ی چنان</td> <td><input type="checkbox"/> مجاز</td> </tr> <tr> <td>د) درفشان لاله در وی چون چراغی</td> <td><input type="checkbox"/> تضاد</td> </tr> <tr> <td></td> <td><input type="checkbox"/> حسن تعلیل</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) اگر لطفش قرین حال گردد	<input type="checkbox"/> تناقض	ب) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب	<input type="checkbox"/> ایهام	ج) نهادند آوردگانه‌ی چنان	<input type="checkbox"/> مجاز	د) درفشان لاله در وی چون چراغی	<input type="checkbox"/> تضاد		<input type="checkbox"/> حسن تعلیل
الف	ب													
الف) اگر لطفش قرین حال گردد	<input type="checkbox"/> تناقض													
ب) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب	<input type="checkbox"/> ایهام													
ج) نهادند آوردگانه‌ی چنان	<input type="checkbox"/> مجاز													
د) درفشان لاله در وی چون چراغی	<input type="checkbox"/> تضاد													
	<input type="checkbox"/> حسن تعلیل													
۰/۲۵	۱۹	در کدام بیت آرایه «اغراق» دیده نمی‌شود؟ الف) ز بس گرد از آن رزمگه برده‌مید تن هر دو شد از نظر ناپدید ب) غضنفر بزدد تیغ بر گردنش درآورد از پای بی‌سر تش ج) چو آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت د) دم تیغ بر گردنش چون رسید سر عمرو صد گام از تن پرید												
۰/۵	۲۰	در عبارات زیر غیر از «کنایه» و «مراعات نظیر» چه آرایه ادبی مشترکی دیده می‌شود؟ الف) نخستین بار از زبان خاله و گاهی هم مادرم بود که بعضی از قصه‌های بسیار اصیل ایرانی را شنیدم و به عالم افسانه‌ها - که آن همه پررنگ و نگار و آن همه پُران و نرم است - راه پیدا کردم. ب) همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید؛ طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد.												

۰/۲۵	۲۱	در بیت زیر کدام کلمه آرایه «ایهام تناسب» ایجاد کرده است؟ به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان میر که مرا درد این جهان باشد
۰/۵	۲۲	نام پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید. الف) عباس میرزا، آغلگری تنها؛ ب) روضه خلد:
۰/۵	۲۳	جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. الف) مجموعه شعر سروده تاگور شاعر بزرگ هند است. ب) زندان موصل اثر کامور بخشایش است که در آن خاطرات اسیر آزادشده آقای آمده است.
۰/۵	۲۴	مصراع دیگر ابیات زیر را بنویسید. الف) ب) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
۰/۵	۲۵	مصراع دیگر بیت زیر کدام است؟ الف) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست ب) ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
		قلمرو فکری (۸ نمره)
۰/۷۵	۲۶	مفهوم هر کدام از ابیات و عبارات زیر را بنویسید. الف) برو شیر درنده باش ای دغل ب) لا آسمان تاج بلرد اما بر سر آن کس که سر فرو آرد. ج) هنر خول شد جادویی ارجمند مینداز خود را چو روباه شل نهان راستی آشکارا گزند
۰/۵	۲۷	در ابیات زیر معنی کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) برداشته دل ز کمر او بخت ب) ز نخدان فروبرد چندی به جیب درماند پدر به کار او سخت که بخشنده روزی فرستد ز غیب
۰/۵	۲۸	در منظومه زیر «شعله» و «چراغدان» نماد چه کسانی هستند؟ «از شعله به خاطر روشنایی‌اش سپاسگزاری کن، اما چراغدان را هم که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد از یاد مبرا»
۰/۵	۲۹	کسانی که در عبارات و بیت زیر مورد توصیف قرار گرفته‌اند، چه صفت بارزی دارند؟ الف) خدش بیمارزد، پدرم دریادل بود. در لاتی کار شاهان می‌کرد؛ ساعتش را می‌فروخت و مهمانش را پذیرایی می‌کرد. ب) ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌کشاید آن که در دستش کلید شهر بر آینه دارد
۰/۵	۳۰	گوینده هر کدام از ابیات زیر چه کسی است؟ الف) گو یلاب از این گزاف‌کاری ب) شماریت با من بیاید گرفت توفیق دهم به رستگاری بدان تا جهان ماند اندر شگفت
۰/۵	۳۱	بیت «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد» با کدام یک از ابیات شعر «یاران عاشق» تناسب مفهومی دارد؟ الف) به رقصی که بی‌یا و سر می‌کنند ب) مگو سوخت جان من از فرط عشق ج) بین لاله‌هایی که در باغ ماست چنین نغمه عشق سر می‌کنند خموشی است هان، اولین شرط عشق خموشند و فریادشان تا خداست
۰/۲۵	۳۲	بیت «در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانه ما» با کدام یک از ابیات زیر هم مفهوم است؟ الف) دمل از جان این غولان کشم سخت ب) شبی آمد که می‌باید قدا کرد بسوزم خانمان‌هاشان به شمشیر به راه مملکت فرزند و زن را

۰/۵	درستی یا نادرستی هر کدام از مفاهیم درج شده در برابر عبارات را بررسی کنید. الف) دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود. (ناپایداری احوال روزگار) <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست ب) العبد یدبر و الله یقدر (از تو حرکت از خدا برکت) <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست	۳۳
۴	ایات و عبارات زیر را به فارسی روان معنا کنید. الف) زَنخِداَن قَرَوِبرَد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب ب) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد ج) حساب این نتوانم داد و نگویم که مراسمخت در بایست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این چه به کلر آید؟ د) پس، از ابر کرم، یاران محبت، بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد، و به ید قدرت در گل از گل، دل کرد. ه) دویدند از کین دل سوی هم در صلح بستند بر روی هم و) در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته. ز) کسی کتاو هوای فریدون کند دل از بند ضحاک بیرون کند	۳۴
۲۰	موفق باشید. جمع نمره	۲۰

آزمون ۶ - آزمون جامع (۲)

صفحه پاسخ: ۳۲۶



مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تألیفی	رشته: همه رشته‌ها	امتحان نهایی: فارسی ۲
نمره	سؤالات		
	قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۰/۵	۱. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد. ب) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش آنک امام ما علم بگرفته بر دوش		
۰/۲۵	۲. معنی مقابل کدام واژه نادرست است؟ الف) نمد: پارچه کلفت که از کوبیدن و مالیدن پشم یا کرک به دست می‌آید و از آن به‌عنوان فرش استفاده می‌کند. ب) مرشد: آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته و سالکان را راهنمایی و هدایت می‌کند. ج) زنیورک: نوعی توب جنگی کوچک دارای دوچرخ که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می‌بستند. د) فرود سرای: اتفاقی در خانه که جلوی اتفاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران.		
۰/۲۵	۳. واژه «درایت» به کدام معنی نیست؟ الف) آگاهی (ب) توانمندی (ج) بینش (د) دانش		
۰/۵	۴. در هر یک از عبارات زیر یک «غلط املائی» وجود دارد، آن را بیابید و درست آن را بنویسید. الف) خاک دلیل را از حضرت عزت به چندین اعزاز می‌خوانند و خاک در کمال مذلت و خواری چندین ناز می‌کند. ب) ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بچستم.		
۰/۵	۵. کدام عبارت دارای «غلط املائی» است؟ درست آن را بنویسید. الف) اگرچه ملالت به کمال رسیده باشد، افعال جانب من جایز تشمیری. ب) عقیدت از باب مودت بدین خصلت پسنندیده و سیرت ستوده در موالات تو صافی‌تر گردد. ج) صیاد شادمان گشت و گرازان به تگ ایستاد تا ایشان را در ضبط آرد. د) چون او را در بند بلا بسته دید زهاب دیده‌گان بگشاد و جواب داد: مرا قضای آسمان در این ورطه کشاند.		
۰/۵	۶. در هر کدام از موارد زیر کلمه‌ای را پیدا کنید که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» باشد. (یکی از موارد فاقد هم‌آوا است). الف) اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بهر ماست ب) فرزندی عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد ج) زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید		

۵۱ الف «ش» در مصراع دوم مضاف‌الیه است: روزی رسان قوت روز او را بداد. **ب** «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه «تیمار» است: بیگانه تیمار او را نخورد. **ا** «ش» در مصراع دوم متمم است: جو چنگ برای او رگ و استخون ماند.

۵۲ الف «ش» در مصراع اول ضمیر بیوسته است و نقش متمم دارد: جو صبر برای او نماند. **ا** در مصراع دوم «ش» در «محرابش» ضمیر بیوسته است و نقش مضاف‌الیه دارد ولی نه مضاف‌الیه «محراب» بلکه مضاف‌الیه «گوش» است: زد بواره به گوش او آمد. **د** «ت» در این بیت ضمیر بیوسته است و نقش مضاف‌الیه دارد: که سعی تو در ترازوی تو بود.

۵۴ الف در بیت (الف) در جمله «ای دغل» فعل به قرینه معنایی حذف شده است.

۵۵ الف «چنگ» به معنی «دست» است و ما با توجه به معنی جمله و قرار گرفتن واژه چنگ در جمله به معنی آن بی‌بردییم. **ب** منظور از «شیر» حیوان درنده است نه معانی دیگر آن، رابطه تناسب واژه «شیر» با «شغال» و «روبه» ما را به این معنی هدایت کرد.

۵۶ الف تناسب **ب** تضمن **ج** تضاد **د** ترادف

۵۷ الف در گزینه (۴) «قوت» و «خوراک» مترادف هستند ولی در سایر گزینه‌ها رابطه «تناسب» بین واژه‌ها برقرار است. دقت کنید که «چنگ» در گزینه (۲) نام «نوعی ساز» و در گزینه (۳) «دست» است.

۵۸ الف تضاد: بیگانه و دوست **ب** تضمن: درخت و ارغوان

۵۹ الف تناسب وجود دارد: دست و پا این دو واژه تناسب ندارد. **ب** تضمن ندارد.

۶۰ الف «باشی» اسنادی است و «سیر» مسند است: چه (= چرا) (قید) [تو] (نهاد) جو روباه (متمم) از وامانده (متمم) سیر (مسند) باشی (فعل اسنادی) **ب** «است» اسنادی است و «روز حاجت» مسند است.

۶۱ الف «است» در مصراع اول غیر اسنادی و در مصراع دوم اسنادی است: بخشایش خدا (نهاد) بر آن بنده (متمم) است که خلق (نهاد) از وجودش (متمم) در آسایش (مسند) است. **ب** «است» در مصراع اول به معنی «وجود دارد» است و غیر اسنادی است. **ا** در مصراع دوم «ند» همان فعل «هستند» است و اسنادی است و «بی‌مغز» و «پوست» مسند هستند: دون هم‌تان بی‌مغز و پوست هستند.

۶۲ الف «نگشست» اسنادی است و «ضایع» مسند است. «شد» در مصراع دوم اسنادی است و مسند آن «گوهر یکدانه» است. **ب** «است» در مصراع اول اسنادی است و «بارگه پادشاه» مسند آن است. «شد» در مصراع دوم به معنی «رفت» است و «غیر اسنادی» است.

۶۳ الف تضاد: مور و پیل **ب** جناس: دوست و پوست

۶۴ الف مجاز: «بازو» مجاز از «قدرت و نیرو» است. **ب** کنایه: «زنخندان» به جیب بردن» کنایه از «گوشه‌نشینی» است.

۶۵ الف جناس: ندارد. **ب** ایهام تناسب: «چنگ» به معنی «دست» قابل قبول نیست و در این معنی با رگ و پوست و استخوان تناسب دارد.

۶۶ الف «سر» در این بیت در معنی حقیقی خود به کار نرفته است و مجاز از انسان است، «مغز» نیز مجاز از «فکر و اندیشه» است.

۶۷ الف [درویش] (مشبه) (ادات تشبیه) چو (ادات تشبیه) چنگ (مشبه‌به) رگ و استخون و پوست برایش ماند (وجه شبه) **ب** من (مشبه) چو (ادات تشبیه) مور (مشبه‌به) به کنجی نشینم (وجه شبه)

۶۸ الف «بازو» در معنی حقیقی خود به کار نرفته و به معنی «توان» و «قدرت» و «عمل» است پس آرایه مجاز ساخته است.

۳۴ الف عزت و دلّت به دست خداست. **ب** عنایت خدا متناسب با نیاز هر موجود است. **ج** آفرینش بی‌نقص خداوند **د** ناتوانی عقل در شناخت خدا. بیت (د) اضافه است.

۳۵ الف گزینه (۳) - در بیت اول گزینه (۳) سخن از «نایب‌داری عزت و قدرت دنیا» است ولی در بیت دوم مفهوم اصلی این است که «لطف خدا هر ذلیلی را عزیز می‌کند». مفهوم مشترک ابیات سایر گزینه‌ها: **گزینه (۱)**: عزت و دلّت به دست خداست. **گزینه (۲)**: خدا به هر کس مطابق نیازش بخشیده است. **گزینه (۴)**: ناتوانی عقل در شناخت خدا.

درس یکم

۳۶ الف شوریده‌رنگ: آشفته‌حال **ب** جیب: گریبان، یقه **ج** دغل: ناراست، حيله‌گر

۳۷ الف چنگ **ب** شغال

۳۸ الف — **ب** زنخندان = چانه **ج** قوت = خوراک

۳۹ الف غیب = آشکار **ب** نگون‌بخت = سعادت‌مند

۴۰ الف دون‌همت **ب** غیب

۴۱ الف محراب = جای ایستادن در نماز **ا** حمیت = جوانمردی **ا** شل = دست و پای از کار افتاده

۴۲ الف سنع ← صنع **ب** مهراب ← محراب **ج** آر ← عار

۴۳ الف قرضی **ب** حمیت

۴۴ الف «ب» «زنخندان» نادرست است و درست آن «زنخدان» است.

۴۵ الف «ب» «عار» دارای هم‌آوا است. «آر» فعل امر از مصدر آوردن است.

۴۶ الف یکی (نهاد) روبه‌ی (مفعول) را دید. **ب** شیر (نهاد) شغال (مفعول) را خورد. آنچه (نهاد) بماند ... **ج** بیگانه تیمارش (مفعول) را نخورد. جو چنگ (متمم) رگ و استخوان و پوست برایش ماند. **د** آن سر کرم ورزد که مغزی (نهاد) در او است (= وجود دارد). که دون‌هم‌تان پوست و بی‌مغز (مسند) هستند.

۴۷ الف برای پیدا کردن جملات مرکب باید حرف ربط وابسته‌ساز را پیدا کنیم. جمله‌ای که بعد از آن حرف آمده است، جمله وابسته است و جمله‌ای که معنی جمله وابسته را کامل می‌کند و با آن آمده است، جمله هسته است.

الف جمله مرکب: در این بود درویش شوریده‌رنگ (جمله هسته) که (حرف ربط) شیری برآمد شغالی به چنگ (جمله وابسته) **ب** جمله مرکب: چو (حرف ربط) صبرش نماد از ضعیفی و هوش (جمله وابسته) زد بواره محرابش آمد به گوش (جمله هسته)

۴۸ الف چنان سعی کن (جمله هسته) که (حرف ربط) از تو ماند جو شیر (جمله وابسته) چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (جمله ساده) **ب** فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد (جمله وابسته) گر نام و تنگ داری (جمله وابسته) از آن فخر عار دار (جمله هسته)

۱ نکته جمله ساده، جمله‌ای است که بر خلاف جمله مرکب فقط یک فعل دارد و با یک فعل معنی کلمی می‌دهد. مثلاً «برف می‌آید» یک جمله ساده است. در مقابل، جمله مرکب بیش از یک فعل دارد و از دو یا چند جمله ساخته شده است: وقتی برف می‌آید (جمله وابسته) چتر با خودت بردار (جمله هسته).

۴۹ الف که: پیوند وابسته‌ساز **ب** و: پیوند هم‌پایه‌ساز

۵۰ الف که: پیوند وابسته‌ساز (واو در مصراع اول حرف عطف است) **ب** که (در مصراع اول و ابتدای مصراع دوم): پیوند وابسته‌ساز **ا** و: پیوند هم‌پایه‌ساز

۵۱ الف نادرست: «جو» حرف اضافه است و به معنی «مثل» آمده است. **ب** درست: «بیگانه» و «رگ» هر دو نقش نهادی دارند. **ا** **ج** نوع «و» در مصراع دوم هر دو عطف است.